

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال چهارم، شماره چهل و یکم، دی ماه ۹۶

- * دیدار رئیس پژوهشگاه با اعضای پژوهشکده مطالعات اجتماعی؛
- * امضاء تفاهم‌نامه با «کمیته ملی موزه‌های ایران» (ایکوم ایران)؛
- * دیدار رئیس پژوهشگاه با اعضای پژوهشکده زبان و ادبیات؛
- * گفتگو با دکتر مصطفی عاصی: پژوهشگاه اولین مرکز پژوهشی بود که به شبکه جهانی اینترنت وصل شد؛
- * گفتگو با دکتر مسعود قیومی: «علوم انسانی دیجیتال»؛
- * انتخاب چهار مقاله «پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های درسی» به عنوان مقاله برتر در چهاردهمین جشنواره «نقد کتاب»؛
- * نقد و بررسی کتاب «نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان»؛
- * نقد و بررسی کتاب «تصحیح تازه از مکتوبات مولانا»؛
- * نقد کتاب «مبانی اسطوره‌شناسی»؛
- * معرفی کتاب «اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران»؛

نشست‌ها

- * شیعه ترور را حرام می‌داند؛
- * اصطلاحات و امثال قرآنی در محاوره فارسی؛
- * بودجه ۱۳۹۷، تشدید یا کاهش فقر؟؛
- * ابرچالش‌های اقتصادی اثرگذار بر امنیت اجتماعی در ایران؛
- * تأملاتی در پیوند تاریخ و غارشناسی؛ بازخوانی خاطرات پدر غارشناسی ایرانی: چنگیز شیخلی؛
- * بررسی تجربه‌ای بین‌المللی در مقاوم‌سازی اقتصاد؛ تحلیل مگاپروژه جاده ابریشم؛
- * عوامل مؤثر بر نارضایتی عمومی از منظر امیرالمؤمنین (ع)؛
- * تاریخ و تصویر، تأملاتی پیرامون پیوند فلسفه تاریخ و فلسفه عکاسی؛
- * بررسی راهبردهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی چندجانبه؛

دیدار رئیس پژوهشگاه با اعضای پژوهشکده مطالعات اجتماعی

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه در ادامه سلسله دیدارها با اعضای پژوهشکده‌های مختلف، روز یکشنبه مورخ ۹۶/۹/۱۹ با حضور در شورای عمومی پژوهشکده مطالعات اجتماعی، با اعضای هیأت علمی و کارکنان این پژوهشکده دیدار و گفتگو کرد.

در ابتدای این جلسه، دکتر نصیری، مدیر دفتر امور هیأت علمی، ضمن خوشامدگویی، به تشریح فعالیت‌های دفتر امور هیأت علمی و اقدامات صورت گرفته درخصوص ارتقای کمی و کیفی فعالیت اعضای هیأت علمی پرداخت. در ادامه دکتر مؤیدحکمت، رئیس پژوهشکده مطالعات اجتماعی، با ارائه گزارش تفصیلی از عملکرد علمی و آموزشی اعضای هیأت علمی و برنامه‌های آتی این پژوهشکده، به برخی مسائل و مشکلات موجود از قبیل: ضرورت جذب اعضای هیأت علمی جدید برای گروه‌های پژوهشی، اختصاص فضای فیزیکی مناسب برای همکاران، بسترسازی جهت انجام طرح‌های غیرموظف با سایر دستگاه‌های اجرایی، تمرکز بر انجام فعالیت‌های پژوهشی به جای فعالیت‌های آموزشی در پژوهشگاه، ارتقاء گروه زنان به پژوهشکده‌ای مستقل، بکارگیری دستیاران پژوهشی در طرح‌ها، بکارگیری کارشناسان متخصص برای گروه‌ها، راه‌اندازی دوره دکتری مطالعات اجتماعی و نحوه تکمیل فرم‌های مربوطه و... پرداخت.

در ادامه، دکتر قبادی ضمن تشکر از رئیس، اعضای هیأت علمی و کارشناسان پژوهشکده مطالعات اجتماعی، با تشریح هدف از دوره دوم دیدار با اعضای پژوهشکده‌های پژوهشگاه، که به منظور افزایش خروجی پژوهشکده‌ها از جمله انجام به موقع طرح‌های پژوهشی موظف یا فعالیت‌های جانبی اعم از طرح‌های کارفرمایی یا نشست‌های مسأله‌مند صورت می‌گیرد، شکوفایی و افزایش فعالیت‌ها و خروجی‌محوری هرچه بیشتر بخش‌های مختلف پژوهشگاه به‌ویژه همکاری بین‌رشته‌ای با دیگر پژوهشکده‌های مرتبط را خواستار شد.

رئیس پژوهشگاه با اشاره به کلیات مسائل مطرح شده از سوی اعضای پژوهشکده؛ با اشاره به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای تسهیل و رفع مسائل و موانع موجود در امور اداری و اجرایی پژوهشگاه، گفت: «بخشی از موانع در اسرع وقت مرتفع خواهد شد؛ و به انحاء گوناگون از جمله تهیه و اصلاح آیین‌نامه‌های موجود از

جمله گزین و تسهیل اجرای طرح‌های کارفرمایی، و به‌ویژه ظرفیت جدید آیین‌نامه تشویقی گره‌گشایی لازم محقق خواهد شد.»





دکتر قبادی با اشاره به ضرورت تداوم همدلی و همفکری و تعامل مثبت و سازنده و همکاری میان اعضای هیأت علمی با بخش‌های مختلف پژوهشگاه در عرصه‌های مختلف علمی و اجرایی، بر ضرورت برنامه‌ریزی به منظور افزایش خروجی پژوهشکده‌ها بر انجام به موقع طرح‌های پژوهشی موظف یا فعالیت‌های جانبی اعم از طرح‌های کارفرمایی یا طرح‌های کاربردی و... تأکید کرد و یادآور شد: «امید است حاصل این اقدامات، منجر به شکوفایی و افزایش فعالیت‌ها و خروجی‌محوری هرچه بیشتر پژوهشگاه شود.»



امضاء تفاهم‌نامه با «کمیته ملی موزه‌های ایران» (ایکوم ایران)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم ایران)، در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹، در تفاهم‌نامه‌ای در چهار فصل، امضا کردند. این جلسه با حضور دکتر حسینعلی قبادی، دکتر سید احمد محیط طباطبایی (رئیس ایکوم ایران)، دکتر محمدسالار کسرائی، دکتر علیرضا ملایی‌توانی و دکتر سید محمد رحیم ربانی‌زاده برگزار شد. براساس مفاد این تفاهم‌نامه، طرفین در زمینه همکاری‌های علمی، فرهنگی و پژوهشی با تأکید بر اموری که مرتبط با تفاهم‌نامه هستند توافق نمودند. یکی از این زمینه‌ها راه‌اندازی «موزه تاریخ علوم انسانی» است. دکتر محیط طباطبایی به اهمیت تأسیس و راه‌اندازی «موزه تاریخ علوم انسانی» اشاره کرد و گفت: «این اقدام کار فرهنگی ماندگاری خواهد بود و به لحاظ تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی که نهادهایی مانند بنیاد شاهنامه، بنیاد فرهنگ و... را در سابقه خود دارد، تبلور مادی و معنوی موضوع تأسیس این موزه دارای ارزش بسیاری است.»

دکتر محیط طباطبایی با توجه به اهمیت موزه‌ها در عصر حاضر به موزه‌های نسل چهارم اشاره کرد و گفت: «نسل

چهارم موزه‌ها دیگر فقط برای افتخار موزه‌ها، هویت ملی و درک مسائلی که باعث به‌وجود آمدن آن آثار شده است راه‌اندازی نمی‌شود، بلکه این موزه‌ها (تجلی مادی و ملموس فکر و اندیشه انسان) هستند.»



دیدار رئیس پژوهشگاه با اعضای پژوهشکده زبان و ادبیات

همکاری‌های بین‌المللی از جمله برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی با دانشگاه ساریوو و انعقاد تفاهم‌نامه با آن دانشگاه و همچنین سایر کشورهای حوزه بالکان و ظرفیت‌های موجود برای گسترش این همکاری‌ها اشاره کرد.

سپس اعضای هیأت علمی و همکاران پژوهشکده نیز با برشمردن زمینه‌های مختلف همکاری‌های بین‌المللی از جمله: ترجمه شاهکارهای ادبیات فارسی به زبان‌های گوناگون با همکاری استادان خارجی، تحقیقات در حوزه ادبیات معاصر، تصحیح متون، رساله‌ها و نسخه‌های خطی معتبر، به‌ویژه متون کهن هندی از همکاری با بنیاد مطالعات اسلامی در مسکو برای ترجمه آثار به زبان روسی، همکاری با دانشگاه‌های تونس برای ترجمه آثار کهن فارسی به زبان عربی و بالعکس خبر دادند و مشارکت در طرح‌های علمی بین‌المللی، تقویت بخش زبان‌های خارجی سایت پژوهشگاه و... نیازمند حمایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از انجام و تسریع در فرآیندهای موجود در این زمینه دانستند.

در پایان رئیس پژوهشگاه با اشاره به بسترهای ایجاد شده برای توجه به طرح‌های پژوهشی، طرح اعتلای علوم انسانی و طرح‌های کارفرمایی و گزارش‌های راهبردی در آیین‌نامه ارتقاء و نیز حذف فرایند بررسی طرح‌نامه‌ها در کمیسیون‌های شورای پژوهشی، بر ضرورت تعامل مثبت، اتخاذ رویکردهای ایجابی و سازنده و افزایش همگرایی و هم‌افزایی میان پژوهشکده‌ها با ستاد پژوهشگاه و بهبود فرآیند مدیریت پژوهش تأکید کرد.



دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه در ادامه سلسله دیدارها با اعضای پژوهشکده‌های مختلف، با اعضای هیأت علمی و کارکنان پژوهشکده زبان و ادبیات دیدار و گفتگو کرد.

در ابتدای جلسه، دکتر قبادی، ضمن خوشامدگویی به اعضای پژوهشکده زبان و ادبیات، با اشاره به انتخاب پژوهشگاه در تراز ۹ پژوهشگاه منتخب برای رسیدن به سطح ۵ پژوهشگاه در تراز بین‌المللی، بر اهمیت و ضرورت فعالیت فراملی و گسترش روابط و همکاری‌های بین‌المللی تأکید کرد و گفت: «پژوهشکده ادبیات می‌تواند نفیس‌ترین ارمان تمدنی ایرانی-اسلامی را برای جهانیان به شیواترین وجه عرضه کند و با استقبال جهانی هم‌روبرو خواهد شد بنابراین لازم است پژوهشکده در این زمینه اهتمام وافر داشته باشد و از موقعیتی که پژوهشگاه موفق شده در این زمینه برای خود به وجود آورد، حداکثر بهره‌مندی را بکند و ستاد معاونت پژوهشی و پژوهشکده باید با هم‌افزایی فرایند را هموار کنند و اقدامات جبرانی را صورت دهند.» وی در ادامه از رابط پژوهشگاه با وزارت علوم در این زمینه خواست، توضیحاتی را از روند اقدامات صورت گرفته ارائه دهد.

دکتر احمدزاده با اشاره به نحوه آغاز طرح بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و اقدامات و فرایندهای صورت گرفته تاکنون، برنامه‌های ارسالی با ۳۳ شاخص مورد نظر وزارت علوم را که باید از سوی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به منظور ارتقای جایگاه آنها محقق شود، برشمرد.

در ادامه، دکتر قبادی با اشاره به بودجه تعلق گرفته به مؤسسات در این خصوص، بر تسریع در تولید خروجی‌های موردنظر در این برنامه از جمله انتشار مقاله و کتب و انجام طرح‌های پژوهشی مشترک با اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی خارج از کشور، ایجاد فرصت‌های مطالعاتی و برگزاری سخنرانی و همایش‌های بین‌المللی تأکید کرد.

در ادامه دکتر محمدنژاد، رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات نیز به فعالیت‌های این پژوهشکده در حوزه



دکتر عاصی: نگران جنبه‌های منفی رایاسپهر (فضای مجازی) نباشیم

پژوهشگاه اولین مرکز پژوهشی بود که به شبکه جهانی اینترنت وصل شد



در این شماره از خبرنامه داخلی پژوهشگاه در مورد علوم انسانی دیجیتال، فضای مجازی، فناوری اطلاعات و... گفت‌وگویی با دکتر مصطفی عاصی، رئیس پژوهشگاه زبان‌شناسی و مدیر مسئول مجله «زبان‌شناخت» انجام دادیم که در ادامه از نظراتان می‌گذرد:

آیا علوم انسانی هم می‌تواند از امکانات فضای دیجیتال استفاده کند؟

بهتر است نخست نگاهی به فضای مجازی یا به تعبیر من رایاسپهر داشته باشیم و سپسیم آیا علوم انسانی هم در رایاسپهر جایگاهی دارد یا اینکه این فضا تنها مربوط به علوم تجربی، مهندسی و فنی است؟ به نظر

من رایاسپهر فرصتی بی نظیر برای تبادل دانش و اطلاعات و ارتباط فکری و علمی همه گروه‌های انسانی در سراسر جهان است و شرایطی را فراهم آورده که در هیچ دوره‌ای از تاریخ نمی‌توان نمونه‌اش را یافت. زبان گفتاری به‌عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی و تبادل اندیشه رودررو قرن‌ها کاربرد داشت و آرزوی دیرینه انسان برای گردآوری، ثبت و انتقال دانش و اطلاعات از نسلی به نسل دیگر و در پهنه زمان و مکان تنها زمانی تحقق نسبی یافت که خط اختراع شد. جهش دیگر برای گسترش و همگانی ساختن دانش در میان مردم، قرن‌ها بعد با اختراع چاپ انجام یافت. اما هنوز باید قرن‌ها می‌گذشت تا ابزارهای دیگری مانند تلگراف، تلفن، رادیو و بسیاری از امکانات ارتباطی و مخابراتی به تدریج به‌وجود می‌آمد تا انتقال دانش و اندیشه سرعت و وسعت یابد.

روند پیشرفت‌های قرن بیستم در عرصه سرعت بخشیدن به تبادل اطلاعات که بسیار چشمگیرتر بود را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من جهش غول‌آسا در مقایسه با همه پیشرفت‌های بشر در گذشته، پدیدآمدن دانش رایانه و امکان ذخیره‌سازی و پردازش اطلاعات در حجم‌های عظیم و با سرعت‌های شگفت‌آور و فزاینده بود که با درآمیختن با فناوری‌های ارتباطات و خوکارسازی رایانه‌ها شبکه‌ای جهانی یا سپهری از همه این فناوری‌ها بوجود آورد و در زمانی بسیار کوتاه دانش و اطلاعات را به‌گونه‌ای انفجار مانند هزاران برابر دوران‌های گذشته گسترش داد. شبکه جهانی اینترنت یکی از نمودهای این رایاسپهر است و می‌توان تصور کرد که اگر دانشمندانی از یک قرن پیش به جهان ما می‌آمدند آن را بیش از معجزه می‌پنداشتند. به همین دلیل بود که بسیاری نیمه دوم قرن بیستم را عصر انفجار اطلاعات نامیدند. اتفاقی که بشر طی قرن‌ها آرزومندانه در انتظارش بود، یکباره رقم خورد. جالب‌تر آنکه خود این فناوری‌ها مستقیماً در تحول و پیشرفت‌های سریع و تصاعدی آن نقش دارند و پیشرفت‌هایی که در گذشته طی قرن‌ها و هزاره‌ها روی می‌داد کم‌کم به دهه‌ها و اکنون به سال و ماه رسیده است. حتی سی سال پیش هم متخصصان رایانه نمی‌توانستند این سرعت پیشرفت را پیش‌بینی کنند. من همیشه گفته‌ام که شاید نسل ما امتیازی بسیار ویژه و خوشبختی بزرگی را داشته که شاهد گذار از دوران پیش از فناوری اطلاعات به عصر انفجار اطلاعات بوده است. نسل‌های بعدی هم که با این امکانات به دنیا آمده آنها را بدیهی می‌بینند، شاید نتوانند ارزش واقعی‌شان را درک کنند. در همین دهه‌های اخیر تأثیر شگرف این فناوری‌ها و رایاسپهر را در عرصه‌های نظری و کاربردی همه علوم، فنون و صنایع می‌بینیم. اما آیا دستاوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات تنها به حوزه‌های فنی و مهندسی یا پزشکی و صنایع محدود می‌شود؟ پاسخ قطعاً منفی است، چراکه با یک بررسی کلی



درمی‌یابیم تقریباً همه رشته‌های علوم انسانی در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ابزارهای نوین آن دستاوردهای خیره‌کننده‌ای داشته‌اند.

می‌دانیم که روح جاری و جوهره اصلی رایاسپهر اطلاعات است. رسانه‌های همگانی و همه دستگاه‌های سخت‌افزاری ارتباطی و رایانشی و همه زیرساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی از کابلی و بی‌سیم گرفته تا ماهواره‌ای، همه و همه برای دریافت، انبارش، پردازش و رساندن اطلاعات به‌وجود آمده‌اند. ما درون این جهان عظیم که ماده اصلی و واقعی آن اطلاعات هست غوطه‌ور هستیم و دیگر هیچ جنبه‌ای از زندگی روزمره، علمی، هنری و فرهنگی ما بیرون از این سپهر قابل تصور نیست. با این توصیف چگونه ممکن است هر علمی، به‌ویژه علوم انسانی برای پیشرفت بیشترین بهره را از آن نبرد؟ رایاسپهر فضایی باز و بیکران برای ارتباط و گسترش مرزهای دانش است که هر کس در هر جا بی‌هیچ مشکلی می‌تواند وارد آن شود و به فراخور نیاز و توان خود از آن برداشت کند. به بیان دیگر، همه افراد در رایاسپهر در شرایط مشابه و یکسانی قرار می‌گیرند و به‌نظر من این نوعی عدالت علمی و اطلاعاتی را در جهان فراهم کرده است.

وضعیت حضور علوم انسانی در این فضای جدید دیجیتالی را چطور می‌بینید؟

گذشته از محیط وب و امکانات اینترنت که برای همه علوم عظیم‌ترین منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی را فراهم ساخته و با سرعت و دقت فوق‌العاده هرگونه بررسی، تحلیل و ارزیابی کمی و کیفی را ممکن ساخته‌اند، اگر به‌طور خاص برخی از علوم انسانی را در نظر بگیریم نمونه‌های بسیاری را می‌یابیم که در دهه‌های اخیر با کمک فناوری اطلاعات جهش‌های بزرگی داشته‌اند و حتی رشته‌ها و حوزه‌های جدیدی شکل گرفته‌است. برای مثال هوش مصنوعی که این روزها در بسیاری از فعالیت‌های علمی و صنعتی و حتی زندگی روزمره نقش جدی یافته است، خود از پیوند چندین رشته علمی و صنعتی به‌وجود آمده است از جمله زبان‌شناسی، فلسفه و منطق، روان‌شناسی، علوم اعصاب، علوم ریاضی و نظریه احتمالات، خودکاری و نظریه کنترل و رایانه. یا فعالیت دوباره و نوظهور ترجمه ماشینی که با بهره‌گیری از دانش‌های رایانه، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی پیکره‌ای و آمار به موفقیت‌های بزرگی رسیده است. در زمینه ادبیات با بهره‌گیری از رایانه، پردازش متون ادبی و آمار دستاوردهای بسیار خیره‌کننده‌ای در سبک‌شناسی و شناسایی پدیدآورندگان آثاری که نویسنده آنها ناشناس است، داشته‌ایم. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین باستان‌شناسی را به کلی متحول کرده است، چه با پویش ماهواره‌ای سراسر کره زمین و همه جایگاه‌های باستانی ناشناخته‌ای می‌یابند و چه با ابزارها و روش‌های پیچیده نقشه‌برداری، عکس‌برداری و ردیابی از لایه‌های زیرین سطح زمین بدون حفاری آثار بازمانده باستانی را شناسایی می‌کنند، و فراتر از آن با بررسی‌های آزمایشگاهی دقیق، بسیاری از ویژگی‌های ناشناخته این آثار و استخوان‌های پوسیده انسان‌ها و جانوران، تاریخ زیست، سن، و حتی صورت واقعی و زنده آنها، محیط زندگی و ساختمان‌های ویران‌شده را بازشناسی و بازسازی می‌کنند. با نگاهی به حوزه‌های فعالیت بخش‌های پژوهشگاه می‌بینیم که تمامی آنها از فلسفه گرفته تا تاریخ، ادبیات، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد می‌توانند از امکانات این فناوری‌ها استفاده کنند و یافته‌ها و دستاوردهای علمی خود را نیز به جهانیان عرضه کنند.

پژوهشکده زبان‌شناسی چگونه از این فضای مجازی یا به تعبیر شما رایاسپهر استفاده می‌کند؟

در زبان‌شناسی با زبان سرو کار داریم که پدیده‌ای پیچیده و چندین وجهی است و بررسی جدی و علمی آن به پیدایش دانش جدید زبان‌شناسی انجامیده است. موضوع بررسی زبان‌شناسی، زبان به معنی عام آن است. رایاسپهر جهانی گسترده است که همه زبان‌ها در آن حضور دارند و گرچه در آغاز پیدایش آن بسیاری از اندیشمندان اظهار نگرانی می‌کردند که شاید در این میدان، زبانی پرکاربر و پرمخاطب مانند انگلیسی بر دیگر زبان‌های دنیا چیرگی یابد و حتی آن‌ها را از میان بردارد. همان خطری که با عنوان جهانی سازی برای بسیاری پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی نیز مطرح می‌شد. اما خوشبختانه این اتفاق نیفتاد روندی دیگر در برابر فرایند جهانی‌سازی شکل گرفت، یعنی روند بومی‌سازی. این روند به همه زبان‌ها و فرهنگ‌ها فرصت جهانی شدن نیز می‌دهد. از آنجا که رویکرد همه فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی پژوهشکده زبان‌شناسی با محوریت زبان فارسی و در کنار آن همه زبان‌های ایران است، و از سوی دیگر تا امروز فناوری اطلاعات در همه زمینه‌ها و حوزه‌های زبان‌شناسی بیشترین کاربرد و بهره‌وری را داشته است، بسیاری از طرح‌های انجام یافته، در دست اجرا و آینده پژوهشکده جنبه میان‌رشته‌ای با رایانه و پیکره

و فناوری‌های دیگر دارد. من باور دارم که رایاسپهر بهترین فرصت برای حضور در این عرصه، معرفی و گسترش همه ارزش‌های فرهنگی، علمی و هنری کشورمان به جهانیان و احراز هویت است و اصلی‌ترین ابزار آن زبان فارسی است.

به نظر شما زبان فارسی با استفاده از امکانات این فضا تا چه حد توانسته است در راستای جهانی شدن گام بردارد؟

خوشبختانه زبان فارسی در زمانی کوتاه رشد و گسترش خوبی در جهان داشته است. با اینکه از گذشته هم سیاست آموزش زبان فارسی در برخی کشورهای خارجی دنبال می‌شده و کرسی‌های آموزش فارسی نیز در برخی دانشگاه‌های خارجی ایجاد شده بود، می‌دانیم که تعداد زبان‌آموزان کم و کیفیت آموزش هم‌نچندان مطلوب بود. اما اکنون در رایاسپهر ده‌ها بلکه صدها وبگاه تخصصی آموزش زبان فارسی با روش‌های جدید و با استفاده از امکانات چندرسانه‌ای فعال هستند. هر کدام از این وبگاه‌ها ممکن است صدها زبان‌آموز از سراسر جهان داشته باشند که تفاوت آن نسبت به شیوه سنتی آموزش زبان فارسی آشکار است. این تنها یک جنبه از نقش زبان فارسی است و اگر آماری از وبگاه‌های فارسی زبان بگیریم، مشخص خواهد شد که در ارائه محتوای علمی و فرهنگی چه پیشرفت‌های عظیمی داشته‌ایم. پژوهشکده زبان‌شناسی هم تاکنون با ایجاد پایگاه داده‌های زبان فارسی و ارائه امکانات پژوهش زبان فارسی در اینترنت، تدوین مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی و پایگاه واژه‌نامه پهلواژ، همکاری با انجمن زبان‌شناسی و ایجاد وبگاه آن، اجرای طرح‌های پژوهشی پیکره‌بنیاد و پیشگامی در راه‌اندازی همایش‌های از راه دور (تله کنفرانس) سهم شایان توجهی برعهده گرفته است.

آیا هم اکنون وبگاه زبان فارسی مشترکی بین کشورهای فارسی زبان منطقه تشکیل شده است؟

خیر، متأسفانه تاکنون وبگاه مشترکی در این زمینه تشکیل نشده است اما فکر بسیار خوبی است اگر بخواهیم وبگاهی برای مخاطبین کشورهای هم‌زبان و همسایه داشته باشیم بدون اینکه جنبه تبلیغاتی و تحمیلی داشته باشد بلکه به طور واقعی داشته‌های علمی و فرهنگی خودمان را معرفی کنیم و به مسائل و علایق مشترک بپردازیم، نتیجه‌اش بسیار مثبت خواهد بود.

چگونه و از چه زوایایی می‌توانیم باعث شویم زبان فارسی بیشتر از این در جهان مورد توجه قرار گیرد؟

اگر نخست همه توانمندی‌ها و جذابیت‌های زبان فارسی را شناسایی کنیم، آنگاه لازم است از همه امکانات رایاسپهر برای ارائه آنها بهره بگیریم. برای رسیدن به این هدف به برنامه‌ای منظم نیاز داریم که شاید بتوان چهار مرحله را برای آن در نظر گرفت:

۱- زمینه‌سازی (مرحله‌ای که با آگاهی‌رسانی و طرح مسئله ذهن مردم و مسئولان برای پذیرش این موضوع آشنا می‌شود و فرصت‌های پیش رو برشمرده می‌شوند. هرچند کار زیادی در این مورد انجام شده است، هنوز راه درازی در پیش است.)

۲- بسترسازی (در این مرحله زیرساخت‌های لازم و مناسب حضور و حرکت در رایاسپهر مانند بسترهای مخابراتی و شبکه‌های ارتباطی کلان و خرد باید ایجاد شود که خوشبختانه بسترهای خوبی در کشور فراهم شده است.)

۳- ابزار سازی (مرحله‌ای است که همه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را برای گردآوری، ذخیره‌سازی، پردازش و ارائه مطالب زبانی بر بستر مناسب به کار می‌گیرد. برخی از ابزارهای مناسب خط و زبان فارسی تاکنون ایجاد شده‌اند و برای تولید بسیاری دیگر نیز باید تلاش شود.)

۴- محتواسازی (چالش اصلی مربوط به این مرحله است چراکه سه مرحله پیش تنها زمینه‌ای برای ارائه محتوا در رایاسپهر به‌شمار می‌آید. اینجاست که با توجه به پیشینه غنی و درخشان فرهنگی زبان و ادب فارسی می‌توانیم محتوایی چشم‌گیر و باارزش به جهانیان عرضه کنیم. کار در این زمینه گسترده، دائمی و بی‌پایان خواهد بود.)



اشرف بروجردی: شیعه ترور را حرام می‌داند



به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در تاریخ ۹۶/۱۰/۲۰، نشست تخصصی «جهاد و ترور در اسلام» با حضور دکتر اشرف بروجردی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی و برخی پژوهشگران و محققان در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد.

دکتر بروجردی در آغاز این نشست گفت: «در خصوص مسئله قتل و ترور، دو رویکرد اسلامی وجود دارد. موضوع قتل و ترور از مباحث مورد مناقشه‌ای است که از سوی برخی مسلمانان با عنوانی همچون «جهاد» و «دفاع»

تعریف می‌شود و دو نگرش بر آن حاکم است. نگرش اول حفظ جان انسان را از واجبات مسلم دانسته است و به آیه (مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ: از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده روی می‌کنند) (مائده، ۳۲) اشاره دارد.

وی افزود: «جریان دیگر نگرشی است که ضرورت توسعه و تعمیم دین اسلام را به دلیل خاتمیت و فراگیری اسلام در کل جهان اصل می‌داند و اینکه برای فراگیری اسلام باید با کفار و مشرکین که مانع اشاعه دین اسلام هستند مبارزه کرد، این نگرش به آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست» (انفال، ۳۹) استناد می‌کند.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی سپس تصریح کرد: «سوالاتی که در این زمینه وجود دارد این است که رابطه و نسبت بین جهاد و ترور چیست؟ کدامیک از دو رویکرد فوق در خصوص جهاد مبنای فتاوی علمای شیعه است؟ کدامیک از دو رویکرد فوق مبنای فتاوی علما اهل سنت است؟ و وجوه اشتراک فتاوی علمای شیعه و اهل سنت کدام است؟»

تعریف واژه جهاد و ترور

دکتر بروجردی با بیان اینکه نخستین برداشتی که از دو واژه «جهاد» و «ترور» به ذهن متبادر می‌شود، در بردارنده برخوردی فیزیکی است که منجر به نزاع، کشتن و قتل می‌شود، گفت: «اگر چه «جهاد» در لغت از ریشه «جهد» و به معنای تلاش است، اما در فهم و ادبیات جامعه آنچه مورد استناد است وجه قتل، محاربه و در مجموع اعمال خشونت است.»

وی افزود: «ترور که یک واژه فرانسوی است به معنای وحشت و ترس است و در لغت‌نامه آمده که ژاکوبین‌ها (گروه‌های تندرو در انقلاب کبیر فرانسه) واژه تروریسم را در بیان تعریف از خود ذکر کرده‌اند، اما به مرور این واژه ماهیتی جنایی یافت و امروز در فرهنگ سیاسی به عنوان «نظام وحشت» از آن یاد می‌شود و به کسانی گفته می‌شود که با استفاده از نظام زور و وحشت به دنبال گسترش دیدگاه خود باشند.»

دو قالب جهاد

دکتر بروجردی در شرح دو قالب جهاد گفت: «جهاد ابتدایی به معنای آن است که جهادگر خود آغاز کننده نزاع



است و به قصد اقناع فرد مقابل برای پذیرش یک ایده و یا یک رویکرد است و دامنه آن از برخورد کلامی تا قتل و جنگیدن است. جهاد دفاعی به معنای پیکار برای مقابله با مهاجم است. پس نمی‌تواند آغازگر باشد و تنها برای دفع تهاجم اقدام می‌کند. ملاک تقدس و حرمت آن، دفاع از حقوق انسانی و جان و ناموس سرزمین است.» وی ادامه داد: «واژه‌های محاربه، غلبه به معنای حمله ناگهانی، فتک به معنای کشتن ناگهانی، ارباب به معنای ترساندن، عملیات استشهادی، عملیات انتحاری، دارالحرب، دارالکفر، دارالاسلام، دارالذنب، دارالامان، دارالبغی، دارالهجرة با موضوع ما ارتباط دارد.»



دیدگاه علمای شیعه در خصوص جهاد

وی با بیان اینکه اغلب قریب به اتفاق فقهای شیعه تقسیم‌بندی جهاد به دو نوع ابتدایی و دفاعی را پذیرفته‌اند، گفت: «با این تأکید که جهاد ابتدایی باید به امر امام معصوم مبسوط الید باشد. اما جهاد دفاعی نیاز به امر امام معصوم ندارد. شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهرالکلام در روایتی از امام رضا(ع) هرگونه اقدام به قتل کفار را در دوره غیبت حرام می‌داند. اما بعید نمی‌داند که فقها با استناد به ادله ولایت فقیه در این مسئله مناقشه داشته باشند. وی درباره دفاع به نکته ظریفی اشاره می‌کند و می‌نویسد دفاع بر هر که برجان خود بترسد «مطلقاً» واجب است اما در دفاع از مال یا آبرو یا جان و مال و عرض دیگران در صورتی واجب است که ظن غالب بر سلامت نفس باشد.» رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی افزود: «صاحب جواهر معتقد است اولاً اگر مسلمانان مورد هجوم کفار قرار گیرند و این هجوم اساس اسلام را تهدید کند و کفار اراده استیلا بر بلاد مسلمانان داشته باشد و اسارت و آوارگی مسلمانان را در پی داشته باشد جهاد واجب است و همچنین با حاکمیت غیرمسلمانان اقامه شعائر اسلامی را آزاد بگذارند و به وجهی از وجوه در اجرای احکام متعرض مسلمانان نشوند در آن صورت ضروری است که از وجوب جهاد منع کرده یا تحریم شود، چون آسیب رساندن به جان بدون اذن شرعی جایز نیست، صاحب جواهر برای اجرای جهاد در چنین شرایطی ادعای آرا علما را کرده است.»

رویکرد به ترور از دیدگاه علمای شیعه

بروجردی افزود: «فقیه شیعه از وضعیت دفاعی هرگونه تعرض به غیرمسلمانان را تحریم می‌کند. در دفاع شخصی هم اگر در رابطه با نفس و جان باشد آن را ذیل کتاب «حدود» قرار داده و تنها اگر در دفاع از کيان اسلام و هویت جامعه اسلامی باشد در قالب «جهاد دفاعی» تعریف می‌شود. بنابراین در تفکر شیعی توسل به «ترور» تحریم است و ترور یا فتک در ادبیات فقه شیعه جایگاه سلبی دارد.»

وی تصریح کرد: «علی‌رغم تحریم ترور و عهدشکنی در فقه شیعی، دفاع استشهادی یا دفاع انتحاری را به طور قطع تحریم نمی‌کند. اگر چه این نوع دفاع در ادبیات جهانی در قالب «تروریسم انتحاری» تعریف می‌شود. فقه شیعی هم خودکشی و هم ترور یا فتک را مطلقاً تحریم می‌کند. لیکن در مقام دفاع آنگاه که فرد مورد تعرض قرار می‌گیرد و یا کيان اسلام در خطر است، با عنوان دفاع شهادت‌طلبانه می‌پذیرد، البته با شرط اینکه علم و یقین به در خطر نابودی قرار گرفتن، وجود داشته باشد.»

وی با بیان اینکه آخوند ملامحمد خراسانی در بحث جهاد دفاعی می‌گوید، هر دولت و امتی باید در امور عرفیه و موضوعات خارجیه توسعه ثروت ملی، رواج صنایع و ایجاد استقلال عمل کند، گفت: «این از مصادیق جهاد دفاعی است که بر عامه مسلمین واجب و لازم است و دول کفر از همین طریق دست تظاول و تغلب به دارالاسلام می‌گشایند.» عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تصریح کرد: «در فتاوی امام خمینی(ره) ناظر به جهاد دفاعی است و هیچ حکم روشنی در خصوص جهاد ابتدایی ندارد و فقط عملیات استشهادی آن هم درباره شهادت حسین فهمیده را مورد تأیید قرار می‌دهد.»

دکتر بروجردی تصریح کرد: «شیخ محمد مهدی شمس‌الدین در کتاب فقه العنف المسلح خود هرگونه خشونت مسلحانه را به دلیل مورد اتهام تروریست بودن و ایجاد هرج و مرج و در نتیجه انزوای اسلام، حرام می‌داند و هیچ یک از چهار



نوع خشونت مشروع در فقه اسلامی یعنی جهاد با کفار، جنگ با بغاه، امر به معروف و نهی از منکر، استفاده از روش‌های خشونت در امور سیاسی را قابل قبول نمی‌داند.»

ترور و جهاد از دیدگاه علمای اهل سنت

وی در ادامه با بیان اینکه جریان‌های دینی اهل سنت در این خصوص شامل سه مکتب فقهی و کلامی است، گفت: «این جریان‌ها عبارتند از جریان اعتدال‌گرایی، اخوان، سلفی-تکفیری.

جریان اعتدال‌گرایی با فتاوی‌ای شیخ یوسف قرضاوی و دکتر علی قره‌داغی، احکام اسلام را بر اساس مقاصد شریعت می‌داند و خواستار تلقی احکام اخلاقی و شرعی از دین بوده و مخالف هرگونه اعمال خشونت است. جریان فکری اخوانی با شعار قرآن قانون ما، جهاد راه ما و شهادت مقصد ماست، بیشتر ناظر بر جهاد دفاعی است. در این جریان کسانی از جمله عمر عبدالله کامل، راشد الغنوشی و... هستند که در همین زمینه غنوشی استفاده از خشونت را صلاح نمی‌داند و تصمیم به اعلان جنگ را از خطرناک‌ترین کارها می‌داند. همچنین جریان سلفی- تکفیری که ابوالاعلی مودودی آن را رهبری می‌کند بر اجرای جهاد تأکید داشته و تقسیم جهاد به دو قسم تهاجمی و تدافعی را صحیح نمی‌داند و مبارزه با کفار و مشرکین را با هر صورتی که ممکن است مشروع می‌داند.

آراء مشهور فقهای مشهور اهل سنت درباره عملیات استشهادی و انتحاری

بروجردی افزود: «سلیمان بن فهد، عملیات استشهادی و انتحاری را با ویژگی‌هایی مجاز می‌داند. این شرایط عبارتند از اینکه برای اعلامی کلمه الله باشد، باید ظن غالب غلبه بر دشمن باشد، این عملیات علیه کفاری باشد که با مسلمین اعلان جنگ داده‌اند و این عملیات باید در سرزمین کفار باشد و اگر در سرزمین اسلامی باشد باید با کسانی باشد که کشور اسلامی را غصب کرده‌اند.»

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی تصریح کرد: «شیخ احمد کفتارو معتقد است که عملیات شهادت طلبانه علیه صهیونیست‌ها جایز و مشروع است و سید قطب بر آن است که جهاد اصلی‌ترین ابزار تبدیل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی است و تداوم جهاد، چه دفاعی و چه ابتدایی امری ضروری است.»

بروجردی ادامه داد: «فتاوی‌ای علمای اهل سنت نشان از تغییرات گام به گام می‌دهد. علمای متقدم از نظرات معتدل‌تری برخوردار هستند مثلاً متقدمین انتحار و استشهاد را نمی‌پذیرند اما متأخرین آن را مباح می‌دانند. در فقه شیعه مفهوم ترور و خودکشی حرام است اما عملیات شهادت طلبانه ذیل مفهوم عمومی جهاد دفاعی قرار می‌گیرد که مجاز است.»

وی با بیان اینکه در خصوص جهاد در میان علمای شیعه دو دیدگاه وجود دارد، گفت: «عده‌ای اندک جهاد را فقط در حوزه «دفاع» تعریف می‌کنند و از تقسیم جهاد به ابتدایی و دفاعی انتقاد می‌کنند. اغلب علمای شیعه تقسیم رایج جهاد را به «جهاد اولیه» و «جهاد دفاعی» را می‌پذیرند. با این قید که جهاد اولیه مشروط به حضور امام ميسوط‌اليد و معصوم باشد.»

بروجردی در پایان گفت: «فقهای

شیعه در استراتژی دفاعی خود دو قید را بر جهاد ممنوع می‌دانند: فنک و غدر. بنابراین شیعه ترور و نقض عهد و پیمان را مطلقاً حرام می‌دانند. طرح بحث ولایت فقیه در سه دهه اخیر کاملاً موضوع بحث جهاد و صدور فتاوی جهاد را متفاوت کرد و موضوع منوط به اذن ولی فقیه که با شان خود می‌تواند اعلان جهاد یا صلح دهد مورد مناقشه است.»



گفتگو با دکتر مسعود قیومی در خصوص:

«علوم انسانی دیجیتال»

امروزه با رشد تکنولوژی و امکانات ارتباطی نمی‌توان از توجه به علوم انسانی دیجیتال غافل ماند. فن‌آوری اطلاعات و ارائه داده‌های علوم انسانی به صورت الکترونیکی یکی دیگر از نکات کلیدی پیشرفت در این زمینه و عرصه‌های بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

دکتر مسعود قیومی عضو هیأت علمی پژوهشگاه زبان‌شناسی در این شماره خبرنامه داخلی پژوهشگاه به برخی نکات روز، پیرامون موضوع علوم انسانی دیجیتال نکاتی را مطرح نموده‌اند که در ادامه آن‌را می‌خوانید ضمن اینکه دکتر قیومی اخیراً نشست با عنوان: «علوم انسانی دیجیتال» کاربرد فناوری اطلاعات در علوم انسانی برگزار



کرد که علاقمندان می‌توانند ویدئوی این نشست را نیز از وبسایت پژوهشگاه دنبال کنند.

منظور از علوم انسانی دیجیتال چیست؟ آیا تعریف جامعی در مورد آن وجود دارد؟

تعریف دقیقی از اصطلاح «علوم انسانی دیجیتال» وجود ندارد. مک‌کارتی در سال ۲۰۰۳ این اصطلاح را به کار برد. وی اذعان کرد که اکنون نمی‌توان این اصطلاح را تعریف کرد بلکه در گذر زمان، این اصطلاح بیان و اصلاح می‌شود. اگر بخواهیم از معنی واژه‌های تشکیل‌دهنده این اصطلاح به مفهوم آن برسیم، می‌بینیم که با جستجوی معنی واژه «digital» در اصطلاح «digital humanities» در فرهنگ‌های لغت انگلیسی، معنی این واژه عمدتاً به داده‌های الکترونیکی که به شکل صفر و یک است اشاره دارد. معادل فارسی این واژه نیز «دیجیتال/رقمی» یا «کامپیوتری/رایانشی» است. بنابراین، از نظر لغوی نمی‌توان به مفهوم این اصطلاح رسید. با در نظر داشتن مفهوم «فناوری اطلاعات» که در سال ۱۹۵۸ توسط اویت و وسلر معرفی شد می‌توان این اصطلاح را بهتر درک کرد. در فناوری اطلاعات مسائلی چون ذخیره‌سازی، بررسی و پردازش، بازیافت، انتقال، کنترل و ایجاد امنیت داده الکترونیکی مطرح است. بنابراین علوم انسانی دیجیتال باید دربرگیرنده مشترکات فناوری اطلاعات و رشته علوم انسانی باشد و چون در فناوری اطلاعات با داده الکترونیکی سروکار داریم، در علوم انسانی دیجیتال نیز باید داده‌های علوم انسانی به صورت الکترونیکی ارائه شود تا با کمک یافته‌های نظری و روش‌شناختی علوم انسانی سنتی بتوان ابزار پردازش و تحلیل داده تهیه کرد و با کمک این ابزار دانش جدید به دست آورد.

با توجه به مفهوم ارائه‌شده از علوم انسانی دیجیتال، هدف اصلی این حوزه چیست؟

مهمترین و پایه‌ای‌ترین هدف در علوم انسانی دیجیتال گردآوری داده در یک حوزه خاص علوم انسانی است. این داده باید به صورت الکترونیکی بوده و ساختارمند و منظم باشد. این رویکرد باعث می‌شود با افزایش حجم داده، از روش‌های خودکار رایانشی برای بالابردن سرعت و کیفیت تحلیل داده بهره برد. ناگفته نماند که با افزایش حجم داده باید سازوکاری برای مدیریت این داده فراهم آید. برای استفاده از این داده گردآوری‌شده به ابزار نیاز است تا این داده جنبه کاربردی پیدا کند و برای پاسخ به پرسش‌ها به کار رود.



گفته شده که مواد اولیه علوم انسانی دیجیتال «داده» است. چه نوع داده‌هایی را برای این امر می‌توان گردآوری کرد؟

سه دسته داده را می‌توان گردآوری کرد. دسته اول داده متنی است. این داده می‌تواند منتشرشده یا الکترونیکی باشد. از نظر زمانی این داده می‌تواند از متون منتشرشده قدیمی و جدید حاصل گردد. ناگفته نماند متون الکترونیکی از منابعی چون وبگاه‌ها، وبلاگ‌ها، رایانامه‌ها، پیامک‌ها، شبکه‌های اجتماعی، نظرات کاربران و حتی آرشیو روزنامه‌ها و اخبار برخلاف آن می‌تواند به‌عنوان داده متنی تلقی شود. دسته دوم داده تصویری است. این داده می‌تواند از عکس‌های دیجیتال که محصول دوربین دیجیتال و یا اسکن عکس‌های چاپ‌شده و یا تصاویر دیجیتال گرافیکی و یا تصاویر فیلم، به‌دست آید. دسته سوم داده، داده صوتی است که از صداهای ضبط‌شده به‌صورت دیجیتال یا صداهای ضبط‌شده در نوار و تبدیل آنها به شکل الکترونیکی، یا داده‌های صوتی مربوط به یک زبان یا گویش به دست می‌آید. ناگفته نماند که امروزه حجم عظیمی از داده در جای‌جای جهان گردآوری شده است که می‌توان با کمک داده‌های پیوندی به داده‌های این پایگاه‌ها دسترسی پیدا کرد. بنابراین نیاز نیست برای انجام هرکاری در حوزه علوم انسانی دیجیتال از ابتدا شروع به جمع‌آوری داده کرد. یکی از ویژگی‌های داده دیجیتال این است که امکان کاربرد مجدد از داده برای پژوهش‌های دیگر وجود دارد.

علوم انسانی دیجیتال از چه قسمت‌هایی تشکیل شده است؟

علوم انسانی دیجیتال سه قسمت عمده دارد. یک بخش آن که مهمترین بخش نیز هست مربوط به داده ورودی و خروجی است که در هر دو حالت این داده‌ها باید به‌صورت الکترونیکی باشد. بخش دیگر ابزاری است که برای پردازش و تحلیل داده ورودی به کار می‌رود تا داده خروجی به‌دست آید. بخش سوم مربوط به روش و ابتکاراتی است که برای تحلیل داده ورودی به کار می‌رود. در حقیقت این ابتکارات، روش‌های شناخته‌شده‌ای هستند که استفاده از آنها منجر به کسب دانش جدید می‌شود. ازجمله موارد این ابتکارات، کاربرد روش‌هایی برای کاوش و جستجو یا نشانه‌گذاری در داده ورودی است. فراهم آوردن امکان مقایسه بین دو یا چند نوع داده ورودی یا نمونه‌گیری هوشمند از داده ورودی نیز از دیگر ابتکارات است. این بخش را حتی می‌توان به نمایش داده خروجی نیز گسترش داد. نمایش تجسمی و بصری محتوای دیجیتال به روش‌های گوناگون مانند استفاده از نقشه‌های دیجیتال برای نمایش دقیق مکان ازجمله دیگر ابتکاراتی است که برای نمایش داده خروجی به کار می‌رود تا بتوان با توجه به تحلیل داده، درک بهتری از داده به‌دست داد و بر اساس آن بتوان به تحلیلی دست یافت که پیشتر با این رویکرد درمورد آن صحبت نشده است.

دانش مورد نیاز در حوزه علوم انسانی دیجیتال چیست؟

دانش مورد نیاز این حوزه به‌جز دانش مربوط به موضوع هدف در حوزه علوم انسانی، چند جنبه دارد. یک جنبه آشنایی با روش‌های ساختارمندسازی و منظم کردن داده و ارائه اطلاعات است. البته در اینجا مدیریت داده و پایگاه داده نیز مطرح می‌شود. جنبه دیگر، آشنایی با علم رایانه و برنامه‌نویسی است تا هدف مورد نظر به صورت یک الگوریتم بیان شود، و سپس براساس یک زبان برنامه‌نویسی به کد تبدیل شود. جنبه دیگر، مربوط به استفاده از روش‌های یادگیری ماشین در حوزه هوش مصنوعی برای تحلیل داده ورودی و پردازش متن، تصویر، و یا صوت است. جنبه دیگر، مربوط به شیوه نمایش تحلیل انجام‌شده است که می‌تواند به‌صورت تجسمی و بصری باشد. نمایش تجسمی و بصری سبب می‌شود درک عمیق‌تری نسبت به مسأله به‌دست آید. جنبه دیگر نحوه ارائه این امکانات است که می‌تواند در یک رایانه شخصی باشد یا در محیط وب قرار گیرد و توسط همگان قابل دسترس باشد.

به نظر شما اولین قدمی که باید پژوهشگاه علوم انسانی برای حرکت به سمت علوم انسانی دیجیتال بر دارد چیست؟

همانطور که پیشتر به آن اشاره شد، اولین اقدام، تهیه داده و ساختارمند و منظم کردن آن است. ویژگی‌های داده جمع‌آوری شده نقش بسیار مهمی بر نتیجه و تحلیل ارائه‌شده می‌گذارد. ازجمله فعالیت‌های مربوط به حوزه علوم انسانی دیجیتال که در پژوهشگاه علوم انسانی پیشرو بوده است طرح پایگاه داده زبان فارسی در پژوهشگاه زبانشناسی است.



نشست «اصطلاحات و امثال قرآنی در محاورة فارسی»

به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در تاریخ ۹۶/۱۰/۹، نشست «اصطلاحات و امثال قرآنی در محاورة فارسی» با حضور دکتر محسن معینی (مدیر گروه قرآن و حدیث بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)، دکتر فروغ پارسا (مستول پژوهشکده علوم قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی) و دکتر زهرا محققیان (عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم قرآنی) و برخی پژوهشگران و محققان مطالعات قرآن و حدیثی در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد.

دکتر معینی که خود مؤلف کتابی با عنوان «فرهنگ اصطلاحات و امثال قرآنی در محاورة فارسی» است، با اشاره به هدف از تحقیق روی این عنوان گفت: «هدف از جمع‌آوری اصطلاحات و امثال قرآن یافتن میزان تأثیرگذاری مفاهیم قرآن بر فرهنگ و باور ایرانیان بود؛ در این تحقیق دریافتیم امثال و اصطلاحات قرآن به وفور در علوم ادبی و ادبیات عامه مردم به وفور یاد می‌شود.»



مدیر گروه قرآن و حدیث بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی فهم کشف ارتباط اوضاع سیاسی تاریخی با آیات قرآن را از دستاوردهای این تحقیق بر شمرد و افزود: «با بررسی به کارگیری مردم ایران از امثال و اصطلاحات قرآنی در می‌یابیم برخی مورخان به بهانه یک جریان سیاسی اجتماعی از برخی اصطلاحات قرآنی بیشتر از سایر اصطلاحات استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه زمانی که موضوع کشورگشایی ایرانیان مطرح بود، آیه «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا؛ هنگامی که فرمان ما آمد، آن سرزمین را زیر و رو کردیم» را در متون برخی مورخان می‌بینیم.»

ضرب‌المثل‌ها گاهی مصلح و گاهی مفسدند:

دکتر معینی درباره کارکرد امثال و حکم در ادبیات جامعه گفت: «ضرب‌المثل‌ها نشان‌دهنده روحیات و عادات یک جامعه هستند و نیز تأثیر زیادی در اعتقادات و باورهای یک جامعه دارند. چه بسا یک مثل یک جدایی را به وصل برساند و تفرقه را تبدیل به وحدت کند و یا برعکس، یک فرهنگ ناصحیحی را بین مردم رواج دهد. بنابراین ضرب‌المثل‌ها گاهی مصلح هستند و گاهی دارای مفسده‌اند.»

وی همچنین با اشاره به منابع امثال و حکم خاطرنشان کرد: «منابع امثال و حکم گاهی کتب ادبی، فکری و هنری جامعه و گاهی کتب مقدس هستند. در بین ایرانیان، قرآن یکی از منابع امثال و حکم است که می‌توان ادعا کرد در بین سایر جوامع اسلامی بیشترین استفاده را در این راستا برده‌اند. به عنوان نمونه وقتی از اعراب پرسید حال شما چطور است، عمدتاً می‌گویند «أنا بخير؛ من خوبم» ولی عمده ایرانیان از «الحمد لله» استفاده می‌کند؛ همچنین واژه‌هایی مثل «بسم‌الله»، «ان شاءالله»، «سبحان الله» و... نمونه‌هایی از اصطلاحات رایج قرآنی در بین مردم ایران است. این مسأله نشان‌دهنده رسوخ فرهنگ قرآن و عترت و نیز استقبال ایرانیان از مفاهیم قرآنی و حدیثی است.»

او افزود: «فرهنگ و اصطلاحات قرآنی نزد ایرانیان با روایات اهل‌بیت(ع) همراه شده است؛ به عنوان نمونه ما در آموزه‌های نبوی داریم وقتی کاری با بسم‌الله آغاز نشود، آن کار ناقص و ایتر می‌شود؛ لذا عمدتاً سر سفره، آغاز یک جلسه، هنگام نوشتن و ... از واژه قرآنی «بسم الله الرحمن الرحيم» استفاده می‌کنیم.»

مدیر گروه قرآن و حدیث بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی کاربرد اصطلاحات قرآنی در متون ادبی را قابل توجه

دانست و افزود: «در کمتر متنی از متون نثر و نظم و متون علمی می‌بینیم که استشهاد به آیه‌ای از قرآن نشده باشد. در متون ادبی برخی از اصطلاحات مبتنی بر یک حکایت خاص بود و برخی اینگونه نبود. مثلاً وقتی از جمله قرآنی «يَذُ اللّٰهُ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ» استفاده می‌کردند، حکایتی در بر نداشت، اما برخی دارای حکایتی خاص بود.» وی افزود: «به عنوان نمونه در خطبه شانزدهم نهج البلاغه امیرالمؤمنین (ع) پس از بیعت و به خلافت رسیدن سخنانی ایراد فرمود و هشدارهای مهمی نسبت به مسائل آینده به مردم داد و راه نجات از خطرهای و انحرافات که ممکن است در پیش باشد را به آنها دقیقاً نشان داد. برای بیان اهمیت مطلب با اشاره به آیه ۷۲ یوسف (ع) فرمود: «ذَمَّاهُمْ فِي غُرُوبِ اَيَّامِهِمْ» اشاره به این که صدق این گفتار و حقانیت آن را صد در صد تضمین می‌کنم؛ ذَمَّتِي بِمَا اَقُولُ رَهِيْنَةً وَاَنَا بِهٖ زَعِيْمٌ» اشاره به این که صدق این گفتار و حقانیت آن را صد در صد تضمین می‌کنم و خود را در گروی آن می‌دانم و شما با اطمینان خاطر آن را بپذیرید و به آن پایبند باشید. از این رو این تعبیر قرآنی در بین خواص رواج یافت.» معینی با اشاره به گونه‌های به کارگیری امثال و اصطلاحات قرآنی در بین مردم ایران گفت: «در ضرب‌المثل‌های قرآنی گاهی از معنای آیه بهره می‌گرفتند؛ به عنوان نمونه تعبیر «هرچه کنی به خود کنی» برگرفته از بخشی از آیه ۷ اسراء است که خداوند فرمود: «اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لَافْسِكُمْ وَاِنْ اَسَاؤْتُمْ فَلَهَا» اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.» گاهی نیز از مجموع یک داستان مثل می‌ساختند مثل سوالات بنی‌اسرائیلی که اشاره به آیاتی از سوره بقره دارد، آنجا که بنی‌اسرائیل درباره کیفیت گاوی که موسی (ع) تعیین می‌کرد، مدام سؤال می‌کردند. همچنین به کارگیری نام پیامبران (ع) مثل عصای موسی، دم عیسی، عمر نوح، صبر ایوب و ... از این دست تعابیر و اصطلاحات قرآنی است که به دایره ضرب‌المثل‌ها راه یافت. برخی ضرب‌المثل‌های قرآنی در جایی به غیر از منظور قرآنی به کار رفته است: وی با ابراز تأسف نسبت به اینکه برخی اصطلاحات و امثال قرآنی توسط ایرانیان غیر از آنچه منظور قرآن است، به کار گرفته شد، افزود: «به عنوان نمونه وقتی خداوند در انتهای سوره «یس» می‌فرماید «اِنَّمَا اَمْرُهُ اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ» هرگاه او اراده چیزی کند، وقتی بگوید باش، آن چیز ایجاد می‌شود» منظور آیه ایجاد و خلق یک شیء است، اما در اصطلاح عامیانه تعبیر به ویرانی می‌شود. مثلاً گفته می‌شود آمریکا، هیروشیما را «کن فیکون» کرد. یا در مثلی گفته می‌شود «با والذاریات رفته انجام دادم» به این معنا که با گریه و زاری آن کار را انجام دادم؛ در حالی که ذاریات در قرآن در یک مفهوم عالی‌تر به کار رفته است. خداوند می‌فرماید: «وَالذَّارِيَاتُ ذُرَّوْا» سوگند به بادهایی که خاک می‌پراکنند». بنابراین هیچ ارتباط مفهومی با ضرب‌المثل رایج آن ندارد. یا اینکه می‌گویند بوی الرحمن فلانی بلند شد؛ یعنی نزدیک به موت است؛ در حالی که هیچ ارتباطی با مفهوم قرآنی آن ندارد.»



بودجه ۱۳۹۷، تشدید یا کاهش فقر؟

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه و با همکاری انجمن علمی دانشجویی اقتصاد، نشست «بودجه ۱۳۹۷، تشدید یا کاهش فقر؟» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. فرشاد مؤمنی در این نشست،



انتقاد سازنده از دولت را عاملی برای به دست آوردن دستاوردهای بهتر برای جامعه معرفی کرد. به گفته او، اصلاح طلبان یک خطای راهبردی کردند و هرگز به این سؤال پاسخ ندادند که با وجود نقاط قوت دوره خاتمی در مقایسه با احمدی نژاد، چه خطای راهبردی ای کردند که پس از دوره هشت ساله دولت اصلاحات، فردی مثل احمدی نژاد از سیاست ایران سر درآورد.

این عضو هیأت علمی دانشگاه علامه تأکید کرد: «برداشت ما این است که اگر آن سهل انگاری ها و خطاهای راهبردی پنج سال گذشته در دولت روحانی استمرار داشته باشد، امکان روی کار آمدن گزینه ای بدتر از احمدی نژاد در ۱۴۰۰ پدید می آید. ما به سهم خود از روی دلسوزی این تلاش مشفقانه را انجام می دهیم و هشدارهای لازم را خواهیم داد.»

او افزود: «مشکل اقتصاد ایران روی اصل رانتی بودن

مناسبات نیست. مشکل سر کانون های اصابت رانت است. در کتاب خود هشدار داده ام که اگر با این بینش به جهت گیری سیاستی در اقتصاد ادامه دهیم، بدون تردید همان چیزی که ما نگران آن هستیم اتفاق خواهد افتاد.» مؤمنی با اشاره به اینکه احمدی نژاد عدالت اجتماعی را بد نگاه کرد و کشور را به این مرحله رساند، بی اعتنایی به عدالت اجتماعی را نیز روی دیگر سکه بددفاع کردن از این مقوله دانست.

مردم فقیرتر از پنج سال قبل می شوند

به اعتقاد مؤمنی راه نجات ایران از توسعه عادلانه می گذرد. اگر عدالت اجتماعی در مرکز سیاست های دولت نباشد، هم خود بدنام خواهند شد و خاطره ای بد از خود به جا می گذارند، هم اوضاع کشور نیز ناهنجارتر خواهد شد. این عضو هیأت علمی تأکید کرد: «ما باید کمک کنیم کانون های اصلی بحران که اندیشه های منحط بازارگرایی را که در یک اقتصاد سیاسی رانتی وجود دارد، بر ملا کنیم. نگاه کردن به بودجه ۹۷ با یک رویکرد حسابدارانه، خطایی بزرگ است. با اطمینان می گویم که موتور بسط دهنده فقر در سال ۹۷، فعال تر از پنج سال قبل خواهد بود.»

مؤمنی اضافه کرد: «باید کمک کنیم خطاهای راهبردی سه دهه گذشته که کشور دچار ورشکستگی مالی و مردم را به فلاکت و فقر دچار کرده، همچنین تولیدکننده را به بدترین شرایط تاریخی خود رسانده است، اصلاح شود. کانون اصلی بحران، جهت گیری های سیاسی دولت است. اگرچه افشاگری درباره نحوه تخصیص ریالی بودجه، از افشا نشدن مفاد آن بهتر است؛ اما این شیوه، نازل ترین سطح آگاه سازی جامعه است.»

او گفت: «مسئله اساسی این است که اگر حسن روحانی فریب کارشناسانی را می خورد که به دروغ و غلط می گویند اگر در قیمت های کلیدی دست ببریم، نرخ ارز را گران کنیم، حامل های انرژی را گران کنیم، به ازای آن این میزان شغل به وجود می آید، بر حسن روحانی حرجی نیست؛ زیرا تخصص اقتصادی ندارد؛ اما از دکتر میدری که در وزارت کار مشغول است، انتظار داریم همه خسارت های اشتغال زدایانه بسته سیاستی تعدیل اقتصادی را به رئیس جمهور گوشزد کند. این یک بحث نظری نیست که دست کاری قیمت ها روی زندگی مردم تأثیر دارد؛ بلکه واقعیت های محرز شده ای است که نشان می دهد در سه دهه گذشته دست کاری قیمت های کلیدی، به مثابه ابزاری برای کسب درآمد، یک توهم فاجعه ساز بوده است. در گزارش های رسمی دولت نیز این مسئله منتشر شده است.»

این عضو هیأت علمی دانشگاه علامه ادامه داد: «براساس اسناد منتشرشده دولت که اصولا محافظه کارانه ترین و خوش بینانه ترین سناریوها را اعلام می کند، هر یک واحد کسب درآمد از محل قیمت های کلیدی، بیش از ۳,۴ برابر



برای دولت ضرر ایجاد می کند؛ بنابراین ما می توانیم از خود سؤال کنیم که چه نیروهایی در کار هستند که سیاست گذاران کلیدی کشور به این نکته ها که بارها تکرار شده، بی اعتنایی می کنند. از یک سو دولت را به سمت فروپاشی مالی می برند و از سوی دیگر بر گستره فقر و فساد اضافه می کنند و تولیدکننده را با فاجعه روبه رو می کنند.»

افزایش قیمت برق بدهی توانیر را افزایش داد

مؤمنی برنامه ای را که با عنوان اشتغال فراگیر منتشر شده، دارای هشت خطای توهم آلود راهبردی معرفی کرد و افزود: «از دل این

برنامه، عنصر گوهری مبارزه با فقر و نابرابری یعنی اشتغال مولد رو به جلو بیرون نمی آید.» به گفته او افزایش قیمت ها ضد توسعه و ضد عدالت است؛ زیرا با افزایش قیمت ها، قسمت تقاضا را تنبیه می کنیم؛ درحالی که تولیدکننده ناکارآمد و فاسد، انرژی را هدر می دهد؛ اما چوب این کم کاری را بر سر شهروندان می زنیم. این عضو هیأت علمی دانشگاه علامه اضافه کرد: «در دولت احمدی نژاد هدف از افزایش قیمت برق، اصلاح ساختار صنعت برق معرفی شد؛ اما بعد از چهاربرابر شدن قیمت این حامل انرژی، نه تنها ذره ای از سرمایه گذاری وعده داده شده اتفاق نیفتاد؛ بلکه تا پایان سال ۹۵، بدهی انباشته توانیر به بیش از ۳۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. این مسئله چند جای دیگر باید تجربه شود که ما متوجه شویم از طریق بازی با نرخ ارز و قیمت های کلیدی، راه به جایی نمی بریم؟ این دست کاری ها زمینه تعرض به حقوق مالکیت مردم را فراهم کرده و به منزله زدن جیب فقرا و چاق کردن غیرمولدها خواهد بود.»



به اعتقاد او سند برنامه ششم بی کیفیت ترین برنامه بعد از انقلاب است. وقتی با سیاست غلط هر روز فاجعه جدیدی در زندگی افراد ایجاد می کنید، بی انصافی است که فقر افراد را ناشی از عملکرد خودشان بدانیم.

دست کاری قیمت های کلیدی رکود تورمی را افزایش می دهد

مؤمنی گفت: «شوک های قیمتی، خصلت اشتغال زدایانه دارد. بازی با قیمت های کلیدی زمینه تشدید و تعمیق رکود تورمی را فراهم می کند. چرا برای مجموعه نرخ تورم و بیکاری عنوان فلاکت را انتخاب کرده اند. وقتی که جهت گیری سیاستی بودجه ۹۷ در راستای تشدید

رکود و تورم کار می کند، این به آن معنا است که موتور تولید فقر در ابعاد بی سابقه تری فعال می شود.» او افزود: «رشد فلاکت در مقایسه با دوره احمدی نژاد به ظاهر بهتر شده است؛ اما این مسئله اغواگری است که حسن روحانی باید متوجه شود. وقتی قدر مطلق قیمت ها افزایش می یابد، فقرا فشارهای کمرشکن تری را دریافت می کنند. اگرچه نرخ تورم در دوره اول ریاست جمهوری واقعا کاهش چشمگیر یافته باشد؛ اما وقتی افزایش شکنندگی قیمت ها با تعمیق رکود و کاهش تعداد شاغلان خانوارها همراه می شود، معلوم است که آنها را به عصیان می کشد. معلوم نیست



راجع به اینها چند بار و به چه زبانی باید توضیح دهیم که گوشه برای شنیدن واقعیت‌ها وجود داشته باشد.» این عضو هیأت علمی دانشگاه علامه تأکید کرد: «وقتی برای ما محرز است که افزایش قیمت نیاز به بسترسازی و ایجاد زیرساخت دارد و آخرین مرحله از یک فرایند است، در شرایطی که ۴۶ مرحله قبلی را انجام نداده‌ایم، چرا باید دست‌کاری قیمت را در دستور کار قرار دهیم.»

او اضافه کرد: «ما می‌گوییم قبل از تغییر قیمت‌ها باید مقدمات آن فراهم شود، زیرا به واسطه منطق رفتاری که اشاره شد، به‌ازای افزایش هر یک واحد درآمد از طریق دست‌کاری قیمت‌های کلیدی، هزینه‌های مصرفی دولت حدود ۳,۵ برابر و هزینه‌های سرمایه‌ای بیش از ۳,۵ برابر افزایش می‌یابد. این مسئله به افزایش عمق فقر و نابرابری کمک می‌کند.»

مؤمنی گفت: «با دست‌کاری قیمت‌ها دولت به سمت ورشکستگی می‌رود. به این ترتیب از انجام وظایف اساسی خود؛ یعنی فراهم کردن تغذیه مناسب برای جامعه، سلامت و آموزش و پرورش طفره می‌رود و به این ترتیب بار فقرا را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر وقتی هزینه‌های مبادله افزایش و امنیت حقوق مالکیت کاهش یافت، ریسک‌گریزی بخش خصوصی مولد افزایش می‌یابد و بنابراین دولت ناگزیر می‌شود که تصدی‌گری خود را افزایش دهد. این یک اقدام ضدتوسعه‌ای است که از طریق از میدان به در کردن بخش خصوصی مولد، اثر خود را نشان خواهد داد.»

وی ادامه داد: «از سال ۶۸ تا امروز مداخله دولت در اقتصاد دو برابر شده است. دولت با خصوصی‌سازی به دنبال کاهش مداخله خود در امور پس از پایان جنگ بود، اما به این هدف دست نیافت، زیرا با این سیاست دولت دائماً از مسئولیت‌های توسعه‌ای خود شانه خالی می‌کند و در مقابل دائماً بخش خصوصی را از میدان به در می‌کند که خودش جای آن بنشیند. در نتیجه ۷۰ درصد مداخله‌های دولت در اقتصاد، مداخله‌های تصدی‌گرایانه است.»

این عضو هیأت علمی دانشگاه علامه راهکارهایی نیز برای کاهش فقر با تکیه بر بودجه اعلام کرد و افزود: «روحانی در انتخابات ۹۲ و ۹۶ به این نکته اذعان کرد که در دوران سرخوشی نفتی، بودجه دولت حالت رانتی پیدا کرد.

تعهدات پرداختی بسیار گسترده‌ای در این دوره ایجاد شد که از جهاتی در تاریخ پس از انقلاب بی‌سابقه بود. در نتیجه بدیهی‌ترین انتظار این بود که بودجه بهتری از سوی دولت ارائه شود، اما در بودجه‌های دولت می‌بینیم که همواره رشد متوسط هزینه‌ها به اندازه چشمگیری از رشد تورم در آن سال بیشتر بوده است. این نوعی خوگرقتگی به ولنگاری در ساختار هزینه است که متأسفانه در دولت تثبیت شده. بنابراین در گام نخست باید این مسئله اصلاح شود.»

او ادامه داد: «محور دوم این است که ما با یک نوع تسخیرشدگی دولت به نفع غیرمولدها و علیه مولدها و عامه مردم روبه‌رو هستیم. دولت در زمان بودجه‌نویسی بخش مالیاتی، بیشترین سهل‌گیری را برای مالیات بر ثروت در پیش



گرفته است و سخت‌ترین فشارها را به تولیدکنندگان و عامه مردم وارد می‌کند. این مسئله باید تغییر کند.» مؤمنی افزود: «محور کلیدی سوم این است که دولت اگر می‌خواهد نیروی محرکه توسعه باشد، باید از سیاست‌های ناامن‌کننده حقوق و سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده اقتصاد کلان دست بردارد تا رونق اقتصادی ایجاد شود و دولت عایدی خود را از طریق مالیات تأمین کند.»

او گفت: «دولتی که اهتمامی به توسعه ندارد، به دنبال افزایش هزینه‌های مبادله، تحمیل فشار غیرعادی به تولیدکننده و مردم را در دستور کار قرار می‌دهد. حتی اگر بپذیریم بخشی از ماجرا میراث احمدی‌نژاد بوده است، روحانی بر اساس نقد جهت‌گیری‌ها اعتماد مردم را جلب کرده است، بنابراین چرا همان سیاست‌ها را با شیب کمتر دنبال می‌کند؟»

افزایش نقدها میزان خطا را کاهش می‌دهد

احمد میدری، معاون رفاه اجتماعی وزارت کار و رفاه اجتماعی، نیز در سخنان خود به مقایسه دولت نهم و دهم با هفتم و هشتم پرداخت.

به گفته او، دولت اصلاحات کشور را با فقر ۳۲ درصدی تحویل گرفت و با فقر ۱۸ درصدی تحویل داد، درحالی‌که



احمدی‌نژاد جامعه را با فقر ۱۸ درصدی تحویل گرفت و با فقر ۳۰ درصدی تحویل داد.

به اعتقاد میدری، پاسخ‌گو بودن دولت، شکل‌گرفتن نهادها، چندصدایی در جامعه، وجود رسانه‌های منتقد و عواملی از این دست میزان خطا را در دولت کاهش داد و منجر به بهبود شرایط فقر در جامعه شد.

وی افزود: «همه متغیرها در کشور بستگی به شرایط سیاسی دارند. در دوره اصلاحات احزاب پذیرفته شدند و رشد کردند. نهادهای منتقد در درون سیستم اداری شکل گرفتند. این شرایط سیاسی در کاهش فساد و ایجاد شفافیت و اثربخشی دولت بسیار نقش داشت. این مسئله

سبب شد فقر از ۳۰ درصد کاهش یابد و به ۱۸ درصد برسد. آمارها این مسئله را تصدیق می‌کند. در دوره بعد حکومت یکپارچه می‌شود، صداوسیما به دولت نقد نمی‌کند. خبرگزاری‌هایی شکل می‌گیرند که (با وجود خبرسازی‌های امروز) در دوره احمدی‌نژاد سکوت مطلق کردند؛ بنابراین با وجود افزایش درآمدهای ارزی، کشور با مشکلات عدیده روبه‌رو می‌شود و بحران‌هایی شکل می‌گیرد که حل آنها چند دهه زمان نیاز دارد.»

میدری گفت: «در ایران نشان دادند به دلایل متعددی که وجود دارد، هر وقت فضای باز به‌وجود می‌آید، جامعه به سمت آشوب می‌رود. اگر اخباری درباره بودجه ۹۷ منتشر می‌شود، نباید به چماق علیه دولت تبدیل شود. در دوره گذشته اجازه نقد نداشتید. ما در دانشگاه علامه به احمدی‌نژاد نامه نوشتیم و گروه توسعه این دانشگاه منحل شد. امروز خیلی جالب است که احمدی‌نژاد در واکنش به سخنان مقام معظم رهبری می‌گوید باید نقد کنیم و مغزمان را تعطیل نکنیم. امروز میراث‌خوار دولت احمدی‌نژاد هستیم. بلایی که او بر سر دانشگاه‌ها آورد جبران‌شدنی نیست.»

افزایش قیمت حامل‌های انرژی ۶ درصد تورم می‌آورد



معاون رفاه اجتماعی وزارت کار درباره تأثیر قیمت حامل‌های انرژی بر نرخ تورم، نظری خلاف وزارت اقتصاد دارد؛ او گفت: «افزایش قیمت حامل‌های انرژی، نرخ تورم را دو درصد افزایش نمی‌دهد، بلکه سبب افزایش شش درصدی نرخ تورم می‌شود.»

میدری ناراضی‌های امروز را حاصل پمپاژ یأس به جامعه اعلام کرد و افزود: «جرقه را چه کسی زد که آشوب شروع شد؟ اگر جامعه کاملاً یکدست شود، فقط می‌توان ۵۰ درصد بحران‌های موجود در کشور را حل کرد. با چندانگی مگر می‌شود مشکلات را جمع کرد؟» او افزود: «در بودجه سال ۹۷، از ۳۶۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی، ۷۸ هزار میلیارد تومان به بخش رفاه

اجتماعی اختصاص می‌یابد. روند نگران‌کننده این است که بخش عمده اعتبار به صندوق بازنشستگی کشور اختصاص یافته است. ۲۵ هزار میلیارد تومان صرف سایر امور شده و بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان فقط صرف دو صندوق



بازنشتگی خواهد شد. وضعیت ایجاد شده برای این دو صندوق حاصل تحولات جمعیتی و خطاهای دولت قبل است که مجوز بازنشتگی پیش از موعد را فراهم کرد.»

میدری بودجه لازم برای دستگاههای فقرزدا را ناکافی توصیف کرد و افزود: «دستگاههای فقرزدا در بودجه سال آینده ۹ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه دارند، وقتی این را به ۲,۵ میلیون خانواده زیر پوشش تقسیم کنیم، درمی یابیم که این منابع خیلی محدود است. هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به دستگاههای امدادی و ۱۴ هزار میلیارد تومان به سایر دستگاهها مثل سازمان بیمه سلامت و دستگاههای کوچک دیگر اختصاص یافته است.»

او اضافه کرد: «در بخش رفاه اجتماعی ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۲۲۷ میلیارد تومان اعتبار دارد و تعداد معتادان کشور ۱,۵ میلیون نفر است. کمیته امداد امام خمینی چهار هزار و ۷۰۰ میلیارد، هلال احمر هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان، سازمان بهزیستی دو هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان اعتبار دارد که قرار است با این رقم مشکل معلولان کشور و زنان سرپرست خانوار را حل کند. سازمان تأمین اجتماعی ۴۲۰ میلیارد تومان اعتبار دارد و دولت باید ۱۹ هزار میلیارد تومان سهم کارفرما و سایر تعهداتش را به این صندوق پرداخت کند.»

معاون رفاه اجتماعی وزارت کار گفت: «دولت در سال ۹۷ قصد دارد به مقررات صندوق توسعه ملی پایبند بماند و ۴۰ هزار میلیارد تومان در این صندوق ذخیره کند، اما ما به دولت پیشنهاد دادیم این رقم را واریز نکنند، زیرا در صورت پرداخت این رقم نباید به تأمین اجتماعی ۱۷ هزار میلیارد تومان بدهد. تأمین اجتماعی هم به داروخانهها و پزشکان فشار می آورد. دولت می خواهد ۱۲ هزار میلیارد تومان اوراق قرضه منتشر کند که بودجه جاری کشور تأمین شود، در حالی که به جای استقراض از مردم و اثرگذاری منفی بر نظام بانکی که کشور را دچار مشکلات بیشتری می کند، بهتر است پول به صندوق توسعه ملی بریزیم که این صندوق به بخش خصوصی وام بدهد. ما باید مقررات صندوق توسعه ملی را اصلاح کنیم.»

او افزود: «میزان کمک ما به دو صندوق کشوری و لشکری برای بازنشتگانی که دو میلیون خانوار را شامل می شوند، نزدیک به ۵۲ هزار میلیارد تومان است. پولی که به بازنشتگان کشور می دهیم، در شهرهای بزرگ کفاف زندگی آنها را نمی دهد؛ اینها بحرانهایی است که حکومت با آن مواجه است. اگر بنزین ۵۰۰ تومان گران شود، فقط زیان دو صندوق کشور را جبران خواهد کرد.»

میدری بیان کرد: «خط فقر بالاتر از حداقل دستمزد در ایران است، اما اعتبار نداریم که خط فقر را مینا قرار دهیم؛ بنابراین اعلام کردیم که حدود سه میلیون خانوار که حقوق آنها زیر ۷۰۰ هزار تومان است براساس بودجه دولت تحت پوشش حمایتی قرار گیرند.»

او افزود: «در این دولت خط فقر را یک درصد کاهش دادیم. بخش عمده جامعه ایران زیر خط فقر است. اگر قرار است یارانه حذف شود، اعلام کردیم افراد بالای چه سطحی از درآمد می توانند حذف شوند. آمارها نشان می دهد تا

صدک ۹۰ جامعه با شیب آرام، درآمدهایشان افزایش می یابد. درآمد سرانه در این کشور پایین است. ۲۴ میلیون و ۱۹۶ هزار خانواده در ایران زندگی می کنند. شش میلیون خانواده روستایی و ۱۸ میلیون خانوار شهری داریم. ۴۲۴ هزار خانواده روستایی زیر خط حداقل مستمری نهادهای حمایتی ما هستند، بنابراین اگر پول داشته باشیم، باید این تعداد خانوار روستایی تحت پوشش حمایتی قرار گیرند. همچنین ۳۲۲ هزار خانوار در شهرها



داریم که زیر این خط زندگی می کنند و باید تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار گیرند.»
در انتهای این نشست دکتر مؤمنی و دکتر میدری به تعدادی از پرسشهای حاضران پاسخ گفتند.

مشکلات افراد حاشیه‌نشین در کارآفرینی



به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی نشستی با عنوان «دنیای بدون آینده: ظهور فرودستی شهری پایدار» با سخنرانی دکتر فهیمه حسین‌زاده جامعه‌شناس و مشاور اجتماعی معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران در روز شنبه ۱۶ دی‌ماه برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر حسین‌زاده، گزارشی از حاشیه‌نشینی شهری ارائه داد و گفت: «ما در مسائل حاشیه‌نشینی با افرادی روبرو هستیم که در زندگی، دنده معکوس می‌روند. به بیان دیگر افرادی از طبقه متوسط به تدریج به محلات پایین‌تر شهر رفته‌اند و در نهایت در

یک فرودستی پایدار ثبات پیدا کرده‌اند. به دنبال آن نیز با آسیب‌های اجتماعی و جرم درگیر شده‌اند.» وی با اذعان به اینکه تعداد این افراد روز به روز در حال افزایش است به ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین و ویژگی‌های افراد ساکن در آن اشاره کرد و افزود: «از جمله ویژگی‌های این مناطق این است که از زیرساخت‌های مناسب آموزشی برخوردار نیستند. علاوه بر این افراد حاشیه‌نشین از مهارت‌های لازم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی کلیدی در جامعه ناتوان هستند. در نتیجه دچار نوعی تفکر محرومیت هستند که به دنبال آن ابتلا به انواع ناپهنجاری اجتماعی به وجود آمده است.»

این محقق در ادامه تصریح کرد: «افراد حاشیه‌نشین از انطباق ذهنی و عملی خود با دنیایی که از آن محروم هستند، ناتوان هستند و به عنوان مثال قدرت ذهنی کارآفرینی ندارند. در نتیجه به طور روزافزونی به عناصر فرهنگی مبتذل تمایل پیدا می‌کنند. در واقع به دلیل تفکر محرومیت که خودشان را با برچسب سطح دو در نظر می‌گیرند، دچار گسست هنجاری و ارزشی از جامعه شده‌اند.»

وی در ادامه خاطر نشان کرد: «به لحاظ مکانی، حاشیه‌نشین‌ها را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد. گروه اول در گودال‌های شهری نظیر دروازه غار، محله هروی، محله امامزاده عبدالله، محله عودلان و... قرار دارند که ویژگی کلی آنها جمعیت شناور، معیشت ناپایدار، سکونت ناپایدار، فاعیتهای غیرقانونی و در نهایت وجود آسیب اجتماعی است. گروه دوم روستاهای اطراف شهری مثل تهران هستند که آنها نیز با ویژگی‌هایی همچون فعالیت غیررسمی، سلامت اجتماعی ناپایدار، زاغه‌نشینی، مهاجران غیرقانونی و وجود سرمایه اندک شناخته می‌شوند که به عنوان نمونه می‌توان به روستاهای لِهک، دورسون آباد، تورقوزآباد، جعفرآباد و... اشاره کرد.»

این محقق اجتماعی با تأکید بر آنکه ناپایداری اجتماعی منجر به پایداری فرودستی شده است، اظهار داشت: «از جمله ویژگی‌های اجتماعی محلات با موقعیت فرودستی را می‌توان افزایش اوباشی‌گری، درهم پیوسته بودن آسیب و جرم، فرسودگی روزافزون کالبد شهری، ناتوانی مدنی در توانمندسازی اجتماعی، ناکامی مدیریتی در انجام اصلاحات موردی و تسلط فضای غیر رسمی دانست که در نهایت منجر به بازتولید فرودستی می‌گردد.»

دکتر حسین‌زاده با اشاره به فقر غلظت یافته، گسست اجتماعی و سطح نازل بهره‌مندی از رفاه، علل اصلی پایداری محلات شهری فرودست را برشمرد و گفت: «ناسازگاری تعاملی، ناتوانی اقتصادی، نامرغوبی کالبد، بحران هویتی و ناپایداری جمعیتی از جمله عواملی هستند که منجر به پایداری فرودستی شهری شده است.»

وی با اذعان به ناتوانی مدیریت شهری در حل معضلات حاشیه‌نشینی تأکید کرد: «عدم هماهنگی و یکپارچگی برنامه‌ها، تصمیمات موردی و مقطعی، عدم استمرار مدیریتی و حاکمیتی، فقر دانش اجتماعی و فقدان نظام پایش و ارزیابی از جمله عوامل عدم موفقیت حل این معضل از سوی حاکمیت است.»

این جامعه‌شناس زمینه‌های کالبدی فرودستی شهری نظیر امکان زیست ارزان قیمت و امکان گم‌گشتگی فیزیکی را حائز اهمیت دانست و خاطر نشان کرد: «برآمدن از قعر چاه و برخاستن از فرودستی نیازمند عزمی همه جانبه است. در راهکار خروج از این وضعیت، منافع تمامی دست‌اندرکاران غیر مجرم باید ملحوظ شود. اما نکته حائز اهمیت در این میان این است که بار اصلی راهبری و پیوستگی فرآیندهای خروج از وضعیت حاشیه‌نشینی به عهده



جامعه مدنی است.» وی اظهار داشت: «این جامعه حاشیه‌نشین باید بلند شود و لذا باید چشم‌اندازهای روشن فردایی بهتر برای آنان ترسیم گردد. علاوه بر این باید فرآیندهای قانونی حاکم شده و حمایت‌های خرد مداوم تداوم یابد. لذا مشارکت تمامی دست‌اندرکاران در طرح یکپارچه ضروری است.»

دکتر حسین‌زاده با اشاره به نظریات اندیشمندان اجتماعی نظیر بوردیو و فرانسوا دوبه در زمینه فقرزدایی، تأمین اجتماعی و جامعه‌شناسی مداخله در زمینه هدایت جریانات اجتماعی تأکید کرد: «هم افزایی و مداخله اجتماعی محله‌محور از جمله راهکارهای حل این معضل است. علاوه بر این باید سالم‌سازی اجتماعی و توان‌افزایی باید در این طرح مدنظر قرار گیرد.»

وی در پایان با اشاره به اینکه این فرآیند بین ۴ تا ۷ سال طول می‌کشد، گفت: «فرآیندهای متعددی برای خروج از وضعیت حاشیه‌نشینی باید همزمان در نظر گرفته شود. از جمله پایدارسازی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، آرام‌سازی اجتماعی، نظم اجتماعی، با ارزش‌سازی اجتماعی و در نهایت فرآیند امیدوارسازی و شادابی اجتماعی است.»

در انتهای این نشست دکتر حسین‌زاده به پرسش‌های حاضران پاسخ گفت.



نقد و بررسی کتاب «تصحیح تازه از مکتوبات مولانا»

به همت پژوهشکده زبان و ادبیات و با همکاری انجمن ترویج زبان فارسی، نشست نقد و بررسی کتاب «تصحیح تازه از مکتوبات مولانا» به تصحیح و تعلیقات دکتر توفیق سبحانی با حضور ناقدین، دکتر محمد غلامرضایی، دکتر محمدرضا موحدی و نیز دکتر یوسف محمدنژادعالی‌زمینی (رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی)، دکتر سید علی‌اصغر میر باقری (رئیس هیأت مدیره انجمن ترویج زبان و ادب فارسی) و جمعی از استادان پژوهشگران و دانشجویان، روز سه‌شنبه ۹۶/۱۰/۱۲ در سالن ادب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



در ابتدای نشست، دکتر محمدنژاد، ضمن خیرمقدم به حاضران و بیان سرگذشت چاپ و انواع نسخه‌های مکتوبات مولانا، از مصحح کتاب دکتر سبحانی برای بیان مطالب و مباحث مربوط به کتاب دعوت به عمل آورد. در ادامه دکتر سبحانی نیز ضمن اشاره به آثار مولانا و اهمیت آن آثار به مکتوبات که حاوی ۱۴۴ نامه از مولانا جلال‌الدین است، پرداخت و همچنین نسخه‌های مورد استفاده خود را معرفی و بیان کرد که در این تصحیح، نسخه کتابخانه مرعشی را اساس کار خود قرار داده‌اند.

پس دکتر محمد غلامرضایی، استاد دانشگاه شهید بهشتی، ضمن بیان اینکه آثار منشور مولانا سه نوع است ۱- مجالس سبعه که نثری خطابه‌ای دارد، ۲- مکتوبات که نثری نامه‌نگارانه دارد، ۳- فیه مافیه که دارای نثری گفتاری است ولی ساختار خاصی ندارد، نکاتی درباره ابعاد مختلف تصحیح دکتر سبحانی پرداخت؛ از جمله آنکه تحلیل محتوایی و طبقه‌بندی نامه‌ها در مقدمه لازم بوده است و همچنین بحثی در باب مختصات سبکی و زبانی این اثر و مطالبی در مورد مشترکات مفهومی و زبانی بین مکتوبات و دیگر آثار مولانا ضرورت داشته است که از دید مصحح مورد غفلت قرار گرفته است. ایشان در پایان نیز خُرده‌هایی با ذکر مثال بر این تصحیح گرفتند که مواردی از آن را مصحح نیز پذیرفتند.



در ادامه دکتر محمدرضا موحدی، عضو هیأت علمی پژوهشکده زبان و ادبیات، نکات مهمی در خصوص تصحیح کتاب مذکور مطرح و تأکید کرد: «که این اثر با توجه به اهمیت آن در زمینه مطالعات مربوط به مولانا لازم است مقدمه مفصل‌تری داشته باشد و جا داشت که در مقدمه شیوه تصحیح و معرفی نسخ با تصریح و روش‌مندی بیشتری بیان شود؛ زیرا توضیحات درباره نسخ یک‌دست نیست و مشخصات کامل آنها ذکر نشده است، بلکه فقط تصویری از یک صفحه نسخه خطی اساس آمده است که بررسی و مقابله همان



یک صفحه نشان می‌دهد که مصحح بدان پایبند نبوده است. همچنین در شماره ارجاعات به متن مکتوبات تصحیح گلپینارلی نیز سهوهای صورت گرفته است و اینکه متن چاپ شده برخی خطاهای مطبعی نیز دارد که لازم است در چاپ بعدی برای رفع این مسائل تدبیری اندیشیده شود.»

در پایان دکتر میرباقری به ضرورت ساماندهی روش تصحیح متون اشاره کرد و اینکه در کرسی مولوی‌پژوهی همه شرایط زیرساختی فراهم شده است تا آثار مولانا چه در داخل و چه در خارج از کشور مورد بازنگری تصحیح، تجدید نظر و تحلیل محتوایی قرار گیرد.



نشست نقد کتاب «مبانی اسطوره‌شناسی»

روز یکشنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۹۶ چهارمین نشست نقد کتاب در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری انجمن نقد ادبی ایران برگزار شد. در این نشست کتاب «مبانی اسطوره‌شناسی» با حضور نویسنده، استاد عباس مخبر و ناقدان، دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، دکتر مریم حسینی و دکتر محمد نجاری مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

در ابتدای این نشست دکتر زهرا حیاتی، دبیر نشست، گفت: «عباس مخبر، نویسنده کتاب مبانی اسطوره‌شناسی، کتاب را پس از تجربه‌های فراوان در زمینه ترجمه پژوهش‌های اسطوره‌شناسی، علاقه‌مندی دانشجویان و کارشناسان رشته زبان و ادبیات فارسی تألیف کرد. پیش از تألیف کتاب، کلاس‌های مبانی اسطوره‌شناسی برگزار شد و ضرورت تألیف یک کتاب درسی احساس شد که کوفهمی‌هایی را که در زمینه درک اسطوره وجود دارد، رفع کند.»



سپس دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، به‌ویژگی برجسته کتاب، یعنی جامع بودن آن نسبت به کتاب‌های قبلی اشاره کرد و گفت: «در میان کتاب‌هایی که در زمینه اسطوره‌شناسی به زبان فارسی نوشته شده است، کتاب مبانی اسطوره‌شناسی انسجام بیشتری دارد و به پرسش‌هایی که در ابتدا مطرح کرده، پاسخ داده است. غلبه نگاه تحلیلی در کتاب غالب است و نثر سخته آن نشان دهنده تجربیات پیشین است. نویسنده از منابع دست اول بهره برده است و نوآوری‌ها و تازگی‌های کتاب در دو زمینه قابل توجه است: یکی فصل آخر که به بحث هنر و اسطوره اختصاص دارد؛ و دیگری، شناساندن دیدگاه‌های ژوزف کمبل به تفصیل. با این حال می‌توان پیشنهادهایی برای چاپ‌های بعد مطرح کرد؛ مانند اینکه بهتر است به بحث اسطوره و ادبیات بیشتر پرداخته شود و بر اسطوره‌شناسی ایرانی هم به سبب سابقه اندک و حدوداً پنجاه ساله آن، تأکید شود. همچنین بحث اسطوره‌های جدید نسبت به اسطوره‌های کلاسیک مغفول مانده است. دیدگاه‌هایی که در مطالعات اسطوره‌شناختی مطرح است در این کتاب نیامده یا کمتر به آن پرداخته شده؛ مانند دیدگاه رمانتیک، دیدگاه تمثیلی - نمادین، دیدگاه نورتروپ فرای و مکاتب فرانسوی اسطوره‌شناسی.»

دکتر مریم حسینی نیز نثر کتاب را حاکی از فهم درست نویسنده دانست و به این نکته اشاره کرد که نویسنده با دقت فلسفی به فصل‌بندی کتاب پرداخته است؛ اما حجم مطالبی که در هر فصل آمده و برخی موارد نادیده گرفته شده قابل نقد است. از نکات قوت کتاب، دقت در جمع‌بندی و استخراج دریافت‌ها و نتایج به شکل مفید و نیز معرفی منابع تازه و اصیل است. بخش مطالعات اسطوره و هنر در شعار برجستگی‌های کتاب است و باید توجه داشت که مبانی اسطوره‌شناسی به قصد تألیف نوشته شده و نمی‌توان با معیارهای یک کتاب پژوهشی به نقد آن پرداخت.

در ادامه، دکتر حسینی دیدگاه‌های اسطوره‌شناسان و برخی منابع را با نگاهی موشکافانه و جزئی نقد کردند. دکتر محمد نجاری نیز نقد خود را با پاسخ به پرسش‌هایی که در ابتدای جلسه و از سوی دبیر نشست مطرح شده بود، دسته‌بندی و به‌طور خلاصه این مباحث را مطرح کرد: «کتاب مبانی اسطوره‌شناسی در مقایسه به پژوهش‌های پیشین که رهیافت‌هایی به اسطوره هستند کامل‌تر است. اخلاق پژوهشی نویسنده در استفاده از منابع قابل توجه است؛ زیرا هم به منابع دست اول نظر داشته هم از ترجمه‌ها بهره برده است. تمایزگذاری بین نمادها و کهن الگوها از نکات مثبت این نوشته است؛ زیرا در بیشتر پژوهش‌های اسطوره‌شناسی این

مسئله نادیده گرفته می‌شود. با این حال جنبه‌هایی از کتاب قابل نقد است؛ برای نمونه، زمانی که کتاب به قصد آموزش نوشته می‌شود، نویسنده باید هنگام تنظیم و گردآوری در تقدم و تأخر فصول بازنگری کند. دانشجویان به فلسفه اسطوره‌شناسی نیاز بیشتری دارند. به همین قیاس، بهتر است در بخش اسطوره و هنر، مثال‌هایی بیاید که دانشجویان بتوانند بهره بیشتری ببرند. برخی از مباحث نیز کمتر مورد توجه نویسنده است؛ مانند مبحث اسطوره و زنان یا مبحث اسطوره و ادبیات، به‌ویژه حوزه شعر.»

دکتر زهرا حیاتی، دبیر نشست، در پایان گزارش ارسالی خود تأکید کرد: «نکات پیاده شده، صرفاً کلیاتی هستند که چشم انداز نقدها را نشان می‌دهد و علاقمندان برای پی‌گیری جزئیات مباحث می‌توانند از فایل صوتی که در کانال تلگرامی یا سایت پژوهشگاه قرار می‌گیرد بهره ببرند.»



«ابرچالش‌های اقتصادی اثرگذار بر امنیت اجتماعی در ایران»

گروه پژوهشی جامعه و امنیت، جلسه سیزدهم نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی را با عنوان «ابرچالش‌های اقتصادی اثرگذار بر امنیت اجتماعی در ایران» با ارائه دکتر وحید شقاقی، روز سه‌شنبه ۲۸ آذر، برگزار کرد.

در این نشست علمی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، ابتدا آقای محمدعلی مینایی، مدیر نشست‌های مطالعات راهبردی مرکز مطالعات جامعه و امنیت، به بررسی جایگاه مقولات اقتصادی در حفظ و ارتقاء امنیت اجتماعی پرداخت و خاطر نشان کرد: «بر اساس تحقیقی که در مرکز مطالعات جامعه و امنیت در رابطه با شاخص‌های امنیت اجتماعی انجام شده است، اقتصاد در کنار ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی، یکی از پنج بعد مؤثر بر امنیت اجتماعی است. برای بعد اقتصادی امنیت اجتماعی سه مؤلفه شناسایی شده است که عبارتند از: ثروت، عدالت اقتصادی و ثبات اقتصادی. که هر یک از آنها خود دارای شاخص‌هایی هستند.



شاخص‌های ثبات اقتصادی عبارت است از: نرخ تورم و نرخ بیکاری. شاخص‌های عدالت اقتصادی عبارت است از: سرانه تولید غذا، نسبت هزینه دهک‌ها و ضریب جینی. شاخص‌های ثروت نیز عبارت است از: تولید و انباشت ثروت، سرانه انباشت سرمایه ثابت، سرانه مخارج تحقیق و توسعه، سرانه سرمایه‌گذاری خارجی و در نهایت درآمد سرانه و در این ارائه علاوه بر بررسی ابرچالش‌های اقتصادی به بررسی تأثیر آنها بر امنیت اجتماعی پرداخته خواهد شد. در ادامه دکتر شقاقی به بررسی تأثیر ابرچالش‌های اقتصادی کشور بر امنیت اجتماعی پرداخت؛ او این امر را مستلزم مراحل مختلفی دانست که عبارت است از: شناخت ابرچالش‌های اقتصاد ایران و اجماع‌سازی پیرامون آنها، سپس تعیین اهمیت، شدت یا فوریت ابرچالش‌ها و بررسی قابل‌اصلاح یا غیرقابل درمان و اصلاح بودن آنها. پس از طی مراحل یاد شده باید به علت ابرچالش و عوارض و پیامدهای آنها، نحوه و زمان انجام اصلاحات اقتصادی پرداخته شود.

به طور کلی، شناسایی و درمان مشکلات اقتصادی امری غامض و پیچیده است. «بن برنانکه» رئیس سابق فدرال رزرو آمریکا (رئیس بانک مرکزی) در این رابطه می‌گوید: «علم اقتصاد یک موضوع بسیار دشوار است؛ من معمولاً آن را به تلاش برای تعمیر یک ماشین در حال حرکت تشبیه می‌کنم.» تمثیلی که شهرت فراوانی یافته است و ناظر بر دشواری اصلاح ساختارها و کارکردهای اقتصادی است.

دکتر شقاقی، ابرچالش‌های اقتصادی ایران را به دو گروه داخلی و خارجی تقسیم و در رابطه با چالش‌های داخلی توضیحات زیر را ارائه کرد:

۱. چالش‌های اقتصاد ایران ریشه در بحران‌های تاریخی و نهادی دارد.
۲. در اهمیت یا شدت یا فوریت چالش‌های اقتصاد ایران اختلاف نظر وجود دارد. در ضمن گاهی اوقات اغراق‌آمیز یا همراه با برآوردهای ساده‌انگارانه است.
۳. کثرت چالش‌های اقتصاد ایران حرف مهمی می‌زند: یک مجموعه کلان ماهیتی فراتر از جمع حسابی اجزاء خود دارد. بحران‌های نهادی با هم مرتبط هستند. بحران‌های در ظاهر مجزا و متمایز به صورت فزاینده با هم ارتباط دارند. صندوق بازنشستگی و بحران شرکت‌ها، خانواده و آموزش، بیکاری و آموزش، مراقبت درمانی و بودجه دولت،

... همه برهم تأثیر دارند.

۴. فروپاشی سیستمی زیرساخت‌هایی است که نهادهای اصلی بر آن‌ها بنا شده‌اند.

۵. شاهد چالش‌های فزاینده در نهادهای اصلی: خانواده، اجتماعی، اقتصادی، قانون‌گذاری، آموزش و سلامت هستیم.

۶. بحران آب، فاجعه زیست محیطی و تشدید فساد اقتصادی و نابرابری نیز در کنار بحران‌های نهادی جزو ابرچالش‌های اقتصاد ایران است.

۷. بحران‌های نهادی در کنار ابرچالش‌های فساد و نابرابری موجبات ریزش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد عمومی را در پی داشته است.

وی همچنین در ادامه به بررسی چالش‌های اقتصادی با منشاء خارجی پرداخت و از جمله به تحریم‌های مستقیم اعمال شده بر اقتصاد ایران اشاره کرد. همچنین به بررسی برخی شقوق چالش‌های برآمده از تحریم‌های غیرمستقیم پرداخت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. طرح تسلط بر بازارهای صادرات نفت ایران: هند نفت آمریکا را جایگزین ایران کرد. پالایشگاه‌های هندی در طی سال‌های گذشته برای خرید نفت خام ارزان به ایران و عراق متوسل شده بودند، اما قصد دارند به واردات خود تنوع ببخشند.

۲. افزایش ریسک تعاملات اقتصادی و مالی با ایران

۳. عدم همکاری بانک‌های بزرگ به دلیل وا همه از قوانین آمریکا و غیره.

دکتر شقاقی، مهمترین ابرچالش موجود پیش روی اقتصاد ایران را ناظر بر فروپاشی سیستمی و اغتشاش نهادی برشمرد و از جمله پیامدهای اقتصادی آن به افزایش هزینه‌های بخش سلامت ناشی از تشدید بیماری‌های روحی و روانی، اضطراب، اعتیاد و همچنین افزایش هزینه نظام آموزش عالی با تداوم تحصیل در مقاطع عالی و تحمیل بار اضافی به بودجه دولت و در نهایت تحمیل هزینه اقتصادی تأخیر در عرضه نیروی کار جوان به بازار کار اشاره کرد.

در پایان محمدعلی مینایی، ضمن ارائه جمع‌بندی جلسه، امنیت اجتماعی را ناظر بر وجوه نرم و ایجابی امنیت دانسته و برهم خوردن امنیت اجتماعی را از یک‌سو متفاوت از بروز شورش‌ها و اغتشاشات اجتماعی و از دیگر سو جدای از مباحث اطلاعاتی، پلیسی و قضایی برشمرد.



نشست نقد و بررسی کتاب «نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان»

دومین محور سخن دکتر عباسی، شناساندن اهمیت روش و رهیافت در هر مطالعه‌ای از جمله مطالعات اسلام بود. وی با آوردن شاهد مثالی از کتاب، بیان می‌کند که ارل واو در مقاله سوم کتاب با عاریت گرفتن یک نظریه از زبان‌شناسی، آن را روی تصور مسلمانان از پیامبر اسلام پیاده کرده و در پایان بر مبنای روش خود، نتیجه گرفته که تلقی مسلمانان از پیامبر در دوره‌های مختلف، متفاوت است و شخصیت



پیامبر در میان مسلمانان تبدیل به یک پارادایم شده است. تأکید دکتر عباسی روی این نکته است که نتیجه ارل واو محصول روش و مبنای او بود. این همان نکته‌ای است که در بسیاری از مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های به اصطلاح انتقادی ما به آن توجه نمی‌شود. وی با معرفی سه مقاله روش‌شناسانه این کتاب - یعنی مقاله آدامز درباره هانری کربن، مقاله ریپین درباره جان ونزبرو و مقاله فضل‌الرحمن - سعی کرد تا این تفاوت مبنایی و روش‌ها را در زمینه نوع نگاه به مقوله تاریخ نشان دهد.

محور سوم گفته‌های او پیرامون تفاوت‌هایی در مطالعات اسلامی بود که در این کتاب بازتاب پیدا کرده و برخی از آنها ریشه در مطالعات ادیان دارد. وی بحث تقابل نگاه علمی و دینی طه حسین در مقاله سوم کتاب را شاهد آورد و به مقاله والدمن و پیشنهاد او برای همزیستی مسالمت‌آمیز اشاره کرد. او همچنین از برخی دوگانه‌ها که بحثی اساسی در این کتاب است، نام برد و در پایان گفت که ریچارد مارتین ویراستار کتاب در پی آن است تا از طریق مقالات کتاب راه میانه‌ای برای رهایی از شکل‌های افراطی دو رهیافت ذهنی‌گرایی ایمانی و عینی‌گرایی علمی بیابد، البته اگر راه میانه‌ای وجود داشته باشد.

در ادامه جلسه دکتر نیل‌ساز با توجه به اذعان نویسندگان کتاب، دو موضوع «قرارگرفتن اسلام در قانون توجه

به دعوت انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی، نشست نقد و بررسی کتاب «نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان»، در تاریخ ۹۶/۱۰/۲ با سخنرانی دکتر مهرداد عباسی مترجم و ویراستار کتاب، دکتر نصرت نیل‌ساز (استادیار دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر ابراهیم موسی‌پور (مدیر گروه تاریخ اجتماعی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی) ارزیاب و ناقد این کتاب، همچنین با حضور دکتر فروغ پارسا، دکتر جعفر نکونام و جمعی از علاقه‌مندان عرصه پژوهش برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر عباسی درباره این کتاب و علت انتخاب آن برای ترجمه و همچنین نقش و تأثیر آن در محیط آکادمیک ایران سخنانی را در سه محور کلی مطرح نمود. محور اول سخن وی این بود که کتاب مذکور آخرین جلد از مجموعه هفت‌جلدی «مطالعات قرآن و حدیث» در انتشارات حکمت است که به تدریج برای ترجمه انتخاب شدند. واژه approach وجه مشترک سه جلد از این مجموعه است.

که دکتر عباسی خود مستقیماً روی آنها کار کرده است. سه کلمه کلیدی «رویکرد»، «رهیافت» و «نگرش» برای ترجمه این واژه مشترک گزین شده است. ترجمه نکره شده این سه واژه با این هدف بوده که اینها همه رویکردها، رهیافت‌ها و نگرش‌ها نیستند بلکه فقط برخی از رویکردها و رهیافت‌ها و نگرش‌های موجودند. وی می‌گوید: «در این کتاب‌ها تلاش شده تا به جامعه اسلام‌پژوه نشان داده شود که «مبناها» و «روش‌ها»ی مختلف نکته مهمی در هر پژوهش است. اما هدف پدیدآورندگان این کتاب موضوع جلسه به‌طور خاص نشان دادن این نکته است که روش‌های استفاده شده در غرب حول محور اسلام و قرآن تا یک دوره‌ای، بیشتر پژوهش‌های متنی و فیلولوژیک بود و حالا باید در آنها تجدید نظر کرد. آنها به دنبال تطبیق، اجرا و پیاده‌سازی آموخته‌هایشان از مطالعات ادیان با اسلام بوده‌اند. این کتاب انعکاسی است از تلاش محققانی در آریزونا در سال ۱۹۸۰ که سالی مهم است به جهت وقوع انقلاب ایران، تألیف شرق‌شناسی ادوارد سعید و انتشار کتاب‌های محققانی چون ونزبرو، برتن، کوک و کرون. در واقع توجه دادن به تغییر و تحولات روش‌ها و رویکردها در مطالعه اسلام یکی از اهداف و انگیزه‌های تولد این کتاب در زبان اصلی، و نیز یکی از دغدغه‌های مترجمان این کتاب جهت معرفی آن به جامعه فارسی‌زبان بود.»

رسانه‌های غرب» و «روند رو به رشد جامعه مسلمان‌ها» را مبنای برپایی چنین همایش‌هایی در غرب دانسته، و کتاب نگرش‌ها را خروجی آن می‌داند. همین دو امر اهمیت نگرش به اسلام در میان مورخان ادیان یا دین‌شناسان را ضروری می‌کند. اتان کلبِرگ در جایی مسائلی چون انقلاب ایران و جنگ ۳۳ روزه لبنان را موجب جهش در شیعه‌شناسی دانسته است. به‌رغم کم شدن توجه به قرآن در محیط آکادمیک، این امر در سطح رسانه‌ها گسترده شده است. وی به نمونه نوشته‌های مفصل خانم انگلیکا نیپورت - یکی از احیاگران توجه به قرآن در میان خاورشناسان - اشاره کرد و گفت که از نگاه ایشان در آنها مسائلی چون سخن رودی پارت و مطالعات قرآنی و نزبرو سبب کم شدن توجه به قرآن در غرب، و درعوض زیادشدن توجه به متون پیرامونی آن (تفسیر و سیره) معرفی شده است. برخی از نکات ایشان درباره کتاب نگرش‌هایی به اسلام از این قرارند: نخست اینکه اتفاقات جامعه اسلامی و محیط‌های آکادمیک تأثیر متقابل روی هم دارند. این مسئله که چه اتفاقی در ساحت‌های آکادمیک رخ می‌دهد دغدغه مشترک جامعه ما و غرب است که قطعاً غرب در پاسخ به آن پیشینه طولانی‌تری دارد. وی به اشاره مارتین در ناکامی مطالعات ادیان در تبدیل به یک رشته دانشگاهی توجه کرده و آن را به مطالعات میان‌رشته‌ای پیوند می‌دهد و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا مطالعات ادیان یک حوزه مطالعاتی است یا یک رشته؟ نیل‌ساز معتقد است مطالب این کتاب مقدماتی است برای نگرش به اسلام در مطالعات ادیان که باعث شده گاهی مقدمه این مقالات خیلی بیشتر از

اصل مقاله باشد. دوم اینکه جزئی‌نگری موجب عدم تحلیل درست از پدیده‌ها می‌شود. شناخت اسلام در کل ادیان جهان معنادار است. بر همین اساس، شاهد روی‌آوری غرب به حرکت وارونه هستیم، اما این روند هنوز در ایران شروع نشده است. دست‌آخر اینکه برخی مقالات این کتاب برای رشته مطالعات قرآن و حدیث دیرپاب و کمی پیچیده است.

آخرین سخنران جلسه دکتر موسی‌پور بود که مطالب کتاب را مورد نقد و ارزیابی قرار داد. وی که معتقد است هر چه از آثار غرب ترجمه شود نیک است در ابتدا به چند حسن کتاب اشاره

کرده و در ادامه انتقادهای خود را بیان کرد. وجود مقالات خوب و متفاوتی در روش، کمک چنین کتاب‌هایی به فهم بهتر آثاری که محصول این روش‌ها هستند، ترجمه خوب و یک‌دست که نتیجه تلاش ویراستار است، و در نهایت گزین کردن سه مقاله والدمن، آدامز و مقاله‌ای با نام رهیافت‌های مطالعه‌گروش به اسلام در هند به‌عنوان مقاله‌هایی متفاوت و خوب، از جمله محاسنی بود که او برای این کتاب برشمرد.

و اما بخشی از نقدهای او بر این کتاب از این قرار بودند: (۱) عدم

ارتباط با ادیان به‌رغم ادعای کتاب و عنوانش نخستین نقد جدی او به کتاب است. در سراسر متن، جز نقل قول کوتاهی از کنتول اسمیت وجود ندارد که هر دلیلی می‌تواند داشته باشد و نمی‌توان گفت این افراد دقیقاً مشغول نقد دستاوردهای مطالعات ادیان در حوزه مطالعات اسلامی هستند. (۲) محققان امروزی به‌ویژه در حوزه زبان‌شناسی، تاریخ و فیلولوژی با محققان پیشین مقایسه و ستوده شده‌اند که خارج از عرف آکادمیک و حتی خارج از واقعیت است و نمی‌توان آن را صرف تعارف دانست چون نتیجه پایانی بر اساس آن گرفته می‌شود. (۳) به منابع پرقدرتی چون دائرةالمعارف هس‌تینگر که در مطالعات ادیان دارای قدمتی ۲۰۰ ساله است، اشاره‌ای نشده بنابراین ادعای ناکارآمدی روش‌های مطالعات ادیان در بررسی‌های اسلامی پذیرفتنی نیست. (۴) در سیر کتاب از کمیت‌های مبهمی چون «بسیارکم»، «نسبتاً اندک»، «تا حدی» استفاده شده که در نگرش‌های آکادمیک جایی نداشته و نمی‌شود به گزاره‌های آن اعتماد کرد. (۵) برخی نقدهای کتاب از جمله نقد روان‌کانه طه حسین اخلاقی نیست. (۶) استفاده ناگهانی از برخی چیزها مانند کنش متقابل نمادین، مکتب تکاملی، رهیافت معناگرا و ... در قالب جملاتی پیچیده شده در کنار هم، که منطقی و علمی نیست. دکتر موسی‌پور در این زمینه «شعائر گذار» را مثال زده و بیان می‌کند که محقق می‌تواند بگوید من اینها را شعائر می‌دانم اما نمی‌تواند آن را به‌راحتی به اسلام یا موضوع هر مطالعه دیگری نسبت دهد چرا که تابع ضوابطی است و این‌طور نیست که به‌نام هرمنوتیک بتوان به دلخواه عمل کرد چون هرمنوتیک نیز دارای اسلوبی



است. (۷) وی معرفی مقاله حج را حسن ختام سخن خود قرار داده، ضمن خوب برشمردنش، آن را شاهد نقد بزرگی بر رهیافت کتاب دانسته که خیلی خوب از متد تاریخ ادیانی استفاده کرده اما به‌رغم زحمت زیاد، مدعای اصلی این کتاب محقق نشده است. وی معتقد است گروه مترجمینی که مطالعات به‌روزی داشته و با دنیای غرب و محیط آکادمیک آن نیز آشنایند، در یک بازه زمانی دو ساله می‌توانند تألیفاتی به مراتب بهتر از برخی مقالات این کتاب را داشته باشند.



تأملاتی در پیوند تاریخ و غارشناسی؛ «بازخوانی خاطرات پدر غارشناسی ایرانی: چنگیز شیخلی»



انجمن علمی دانشجویی تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی با همکاری گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده تاریخ، نشستی از سلسله نشست‌های تاریخ و مطالعات میان رشته‌ای را با عنوان «تأملاتی در پیوند تاریخ و غارشناسی؛ بازخوانی خاطرات پدر غارشناسی ایرانی: چنگیز شیخلی» در تاریخ ۲۷ دی‌ماه ۹۶ در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار کرد.

در این نشست دانشجویان، پژوهشگران، اساتید و اعضای کارگروه غارشناسی فدراسیون کوهنوردان و برخی رؤسای انجمن غارشناسی، پیشکسوتان کوهنوردی و علاقه‌مندان، به منظور هم‌افزایی و تجلیل از پدر غارنوردی ایران جناب آقای چنگیز شیخلی گرد هم آمدند.

در ابتدای نشست دبیر انجمن علمی دانشجویی تاریخ، آقای نوروزی، به خوشامدگویی و سپاسگزاری از حضور و شرکت‌کنندگان در جلسه پرداخت. پس از آن سخنانی در اهمیت مطالعات میان رشته‌ای تاریخ با سایر علوم ایراد کرد. وی همچنین انگیزه تشکیل این جلسه را به یک خاطره که جرعه آشنایی با استاد شیخلی (پدر غارشناسی ایران) را ایجاد کرد و گفت: «تشکیل چنین نشست‌هایی با موضوعات بکر و اجتماعی در هویت بخشی و معرفت‌بخشی به جامعه و در نهایت به تاریخ و فرهنگ ایران زمین و بزرگداشت و پاسداری از منزلت سرمایه‌های انسانی، ایران دوستان و ایران‌شناسان ضرورت دارد و خدمتی بزرگی محسوب می‌شود. موضوع «پیوند تاریخ و غارشناسی» به عنوان باب اولیه برای آشنایی و ارتباط جامعه آکادمیک و بالأخص تاریخ با جامعه کوهنوردی و غارشناسی خواهد بود.»

در بخش دوم این نشست، استاد شیخلی مطالبی در مورد تجربه‌های خود ارائه کرد. استاد شیخلی در ابتدای سخنان خود به خلاصه‌ای از تاریخچه غارشناسی در جهان و ایران پرداخت و از قدیمی‌ترین نمونه‌های مربوط به گزارش غارها در دولت‌های باستانی سومر و اکد در داستان‌های گیل و گمش و غارها و خانه‌های زیرزمینی نام برد. وی در بحث تاریخچه غارها در ایران به بحث زبان‌شناسی واژه غار پرداخت و گفت: «در زبان‌های ایران باستان و گویش‌های اقوام ایرانی واژه غار به صورت‌های گوناگون آمده است مثلاً در زبان مادری باستان غار به نام اسکوتیا و در زبان پهلوی، اشکتیه و همچنین در گویش لری به اشکفت تلفظ شده است. وی قدیمی‌ترین دوره، که به غارنوردی در ایران اشاره شده را مربوط به دوره اوایل تیموری توسط عده‌ای در تفت یزد و دوره صفوی دانست که گروهی به کشف غار نیاسر کاشان همت گماشته بودند.



وی اضافه کرد: «قدیمی‌ترین غار، مربوط به سال ۱۳۱۱ ش. است که توسط روان‌شاد منوچهر مهران کشف شده است. ایشان در سازمان پیشاهنگ مشهد قصد دیدن غار مغان و شاپور را طرح‌ریزی کرده بود. از نهادهای قدیمی فعال در زمینه کوه و غار می‌توان به باشگاه پیکار در سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۴ ش. که توسط مرحوم مهران پایه‌گذاری شد و بعدها به باشگاه نیرو و راستی تغییر نام یافت. همچنین از دیگر باشگاه‌های ورزشی می‌توان به

باشگاه دوچرخه‌سواران، روان‌شاد پرویز خسروان که بعدها به باشگاه تاج تغییر پیدا کرد و علاوه بر اینها باشگاه پولاد که اینها در دهه بیست و سی شمسی فعالیت داشتند، اشاره کرد.»

استاد شیخلی در ادامه چنین گفت: «مطالعات غارشناسی این افراد و گروه‌ها و باشگاه‌ها به طریق علمی و مدرن رایج در کشورهای دیگر متفاوت بود. لذا بنده که رشته غارشناسی را از طریق مجلات خارجی دنبال می‌کردم با هدف مطالعات علمی و تحقیقاتی و نه گردشی به تأسیس هیأت غارشناسان ایران در سال ۱۳۲۵ ش. با همکاری دو تن از دوستان شادروان، اکبر شفیع‌زاده و سیروس مستوفی همت گماشتیم.»

وی در بحث فعالیت‌های غارشناسی خود اشاراتی ارزشمند را بیان داشت و خاطرنشان کرد: «روش پژوهش ما در مطالعات غارشناسی با سایر گروه‌های دیگر همین جنبه علمی بود که در واقع ما جنبه‌های گوناگون غار را در ارتباط با سایر رشته‌های دیگر مدنظر قرار می‌دادیم. البته شایان ذکر است که ما در همه رشته‌ها تخصص نداشتیم و به عبارتی مجمع‌العلوم نبودیم اما یک کارشناس و یک غارشناس بودیم که در ارتباط با سایر کارشناس‌های سایر رشته‌ها، مطالعات مربوط به هر غار را ضبط، تکمیل و به صورت یک نوشته یا مقاله در مجلات منتشر می‌کردیم.»

استاد شیخلی در بخش دیگری از بیانات خود افزود: «آثاری که در یک غار وجود دارند گویای قدمت و تاریخچه آن غار هستند که متأسفانه در مطالعات غارشناسی مورد توجه غارشناسان قرار نمی‌گرفت و گاهی غلط‌های زیادی را از سر بی‌توجهی به همین آثار طبیعی و دست‌ساز در غارها مشاهده کرده است و به نتیجه‌های غلطی در مطالعات خود از سر ظواهر امر می‌رسیدند.»

وی در ارتباط غارها با تاریخ اشاره کرد: «اگر نتوان گفت ۹۹ درصد غارهای ایران، اما می‌توان گفت ۹۰ درصد غارهای ایران جنبه تاریخی دارند و به مطالعات باستان‌شناسی و تاریخی مسائل و دوره‌ها و سایر رشته‌ای دیگر مرتبط هستند.»

وی در پایان سخنان خود عنوان کرد: «که حاصل تلاش علمی خود را در یک کتاب جامع به نام فرهنگ جامع غارهای ایران گردآوری کرده‌ام که به صورت ۱۶ جلد کتاب در دست چاپ و انتشار است و وی در اهمیت و سختی‌های راه پژوهش این کتاب بیان کرد: ۷۲ سال از عمر ۹۰ ساله خود را صرف نوشتن و پژوهش این کتاب کردم که به لحاظ روش تحقیق پژوهش‌محور و تحقیقاتی انجام شده است نه به صورت گردآوری یا تألیف و یا دیگر صورت‌های غیرعلمی.»

در بخش سوم نشست نوبت به پرسش و پاسخ حاضرین جلسه رسید که به طرح موضوعات و پرسش‌های خود پرداختند. پس از پاسخ‌های تکمیلی استاد شیخلی با تشویق حاضرین پرشور، جلسه به پایان رسید. در پایان جلسه دبیر انجمن دانشجویی، آقای نوروزی، با تشکر از سعه صدر و مشارکت حاضرین جلسه در بحث و گفتگو، پایان بخش برنامه را به تقدیر و تقدیم هدایایی به استاد شیخلی و گرفتن عکس‌های یادگاری حضار جلسه با ایشان اختصاص دادند.



نشست بررسی تجربه‌ای بین‌المللی در مقاوم‌سازی اقتصاد؛ تحلیل مگا پروژه جاده ابریشم

پژوهشکده اقتصاد و مدیریت نشستی با عنوان «بررسی تجربه‌ای بین‌المللی در مقاوم‌سازی اقتصاد؛ تحلیل مگا پروژه جاده ابریشم» را با سخنرانی دکتر محمدتقی‌زاده انصاری، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی در روز ۶ دی‌ماه برگزار کرد. آنچه در زیر آمده، خلاصه‌ای از این نشست است.

برخلاف آدام اسمیت و دیگر طرفداران نظام بازار آزاد که تمایلی به برجسته کردن هزینه‌های غیراقتصادی نظام بازار ندارند، دولت‌ها در تعامل با بازارهای بین‌المللی علاوه بر هزینه‌های احتمالی اقتصادی، ممکن است با هزینه‌های دیگری از جمله اختلال احتمالی در ارزش‌های سنتی نظام اجتماعی، افزایش آسیب‌پذیری در برابر نفوذ خارجی و هزینه‌های استراتژیک برای حاکمیت و اعمال اقتدار ملی مواجه شوند. اساساً دولت سازمان حفاظت است و از آغاز گسترش اقتصاد بازار بین‌المللی در عصر مدرن، دولت‌ها یا به عبارتی نخبگان و ائتلاف‌های مسلط داخلی بر اساس محاسبه هزینه و فایده منافع و زیان‌های پیوستن یا نپیوستن به بازارهای بین‌المللی در این خصوص تصمیم‌گیری نموده‌اند و آنگونه که تجربه بشری نشان می‌دهد، همواره رقابتی‌ترین اقتصادها قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بیشتری برای بهره‌مند شدن از بازارهای بین‌المللی داشته‌اند، اما گسترش بازار بین‌المللی علاوه بر برخورداری از اقتصادی رقابتی مستلزم توان متناظر سیاسی و نظامی بوده است، بر این اساس به طور تاریخی اقتصاد بازار بین‌المللی در عصر مدرن با نقش محوری بریتانیای کبیر و در ادامه آن ایالات متحده است که گسترش یافته است. بنابراین در متن تاریخ بازار بین‌المللی، در عصر مدرن شاهد نقش دولتی‌هایی در گسترش بازار بین‌المللی هستیم که همزمان از رقابتی‌ترین اقتصاد و رقابتی‌ترین نیرو و توان نظامی برخوردار بوده‌اند، رقابت‌پذیری بالای اقتصادی این دولت‌ها را ترغیب به گسترش بازار می‌کرد و توان متناظر نظامی به آنها اجازه می‌داد که هزینه‌های ورود به بازار بین‌المللی را بر دیگر دولت‌ها تحمیل کنند، نقطه عطف ورود چین به بازار بین‌المللی یا به عبارت صحیح‌تری گسترش بازار بین‌المللی به چین به پایان جنگ اول تریاک در ۱۸۴۲ برمی‌گردد. که در نتیجه آن پنج بندرگاه چین به روی تجارت غربی گشوده شد. توان متناظر نظامی - سیاسی بریتانیا را قادر کرد هزینه‌های ورود به بازار بین‌المللی را بر چین

تحمیل کرده و درب‌های چین را برای یک سده که با انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹، خاتمه یافت بگشاید. نخبگانی که در ۱۹۴۹ بر پکن غالب شدند، بویژه مائوتسه دنگ که نقش و نفوذی کلیدی بر سیاست چین داشت متأثر از ایدئولوژی مارکسیسم لنینیستی هزینه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و استراتژیک گسترش پیوندها با اقتصاد بازار بین‌المللی را به مراتب بیش از آن ارزیابی می‌کردند. که منافع چین را در پیوستن به بازار بین‌المللی تصور کنند. بر این اساس چوئن‌لای در نقش نخست وزیری کشور در ۱۹۴۹، اعلان داشت که چین پس از یک قرن تحقیر توسط امپریالیسم سرمایه‌داری غربی، دگرباره درب‌ها را می‌بندد. این عبارت سمبلیک، کلیت سیاست چین را در تعامل با اقتصاد بازار بین‌المللی بیان می‌کند. سیاستی که تا پس از مرگ مائو در ۱۹۷۶، و سپس رهبری دنگ شیائوپینگ از ۱۹۷۸، تداوم یافت. از ۱۹۷۸، تحت نفوذ کلیدی دنگ شیائوپینگ چین به بازآرزیابی هزینه‌ها و منافع پیوستن به بازار بین‌المللی نشست، بر این اساس پکن سیاست رفورم اقتصادی و بازگشایی درب‌ها را بر اساس شیوه‌ها، تاکتیک‌ها و استراتژی‌هایی در پیش گرفت که ضمن به حداقل رسانیدن آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و غیراقتصادی، از منافع اقتصاد بازار بین‌المللی بهره‌مند شود. در پی آن چین در بخش‌های مختلف اقتصادی دستاوردهای چشم‌گیری رقم زده است، به طوری که در مجموع میانگین نرخ رشد اقتصادیش از ۱۹۷۸ الی ۲۰۱۵، سالیانه ۱۰ درصد بوده است و سهمش از مجموع تولید ناخالص جهانی از ۲ درصد در ۱۹۹۰ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است در این برهه، بخش تولیدی چین به گونه‌ای رشد یافته است که چین با مصرف بین ۴۰ الی ۶۰ درصد انواع مواد معدنی که سالیانه در جهان مصرف می‌شود به بزرگترین مصرف‌کننده مواد معدنی جهان تبدیل شده است، موادی که در مجموع برای تولید کالاها و متعاقباً صادرات به بازارهای خارجی مصرف می‌شوند. اما رشد شتابان چین در این برهه قویاً متأثر از نرخ رشد اخذ و اقتباس تکنولوژی و فنون خلاقانه از دولت‌های توسعه یافته صنعتی و در راس آن ایالات متحده به عنوان قدرت بی‌رقیب اقتصادی و نظامی بوده است، که در پی آن پس از چهار دهه رشد شتابان، چین با چالش‌های اقتصادی جدیدی مواجه شده است، بر این

اساس برای غلبه بر بخشی از این چالش‌ها پکن ابتکار یک جاده یک کمربند یا جاده جدید ابریشم را در ۲۰۱۳، مطرح کرده و پیش برد آن را در دستور کار قرار داده است، چالش اضافه ظرفیت تولید، مازاد سرمایه، ضرورت گسترش مقیاس بازار، ایجاد یک زنجیره ارزش چین محور، و ضرورت‌های توسعه اقتصادی نیمه غربی کشور به عنوان محرک‌های کلیدی اقتصادی مطرح هستند که چین را به پیش برد ابتکار جاده جدید ابریشم ترغیب می‌کند، مگاپروژه‌ای که بر توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطی شامل راه آهن و قطارها، فرودگاه‌ها، بنادر، جاده‌ها و بزرگراه‌ها، خطوط و زیرساخت‌های انتقال انرژی، مناطق و حوزه‌های ویژه و آزاد تجاری و اقتصادی، در دو مسیر دریایی از سواحل شرقی چین تا کرانه‌های اقیانوس هند در آسیا و افریقا و از آنجا به کرانه‌ها و سپس خشکی‌های اروپا و مسیر خشکی از نیمه غربی چین به اوراسیا، خاورمیانه و اروپا گسترش می‌یابد. به عبارتی می‌توان بیان داشت که ضرورت‌های اقتصادی و کارآمدی و رقابت‌پذیری که در پی انقلاب صنعتی بریتانیا را قادر و ترغیب به گسترش و تحمیل بازار بین‌المللی به چین کرده بود (در پی جنگ تریاک)، عواملی مشابه به آن در پی چهار دهه نوسازی اقتصادی چین را ترغیب به گسترش بازار و حضور گسترش یافته‌تری در توسعه زیرساخت‌های

حمل و نقل و بازارهای خارجی کرده است، در همین راستا پکن ایده ابتکار جاده جدید ابریشم را به دستور کار و ساختارهای نهادی برای پیش برد استراتژی‌هایی ترجمه و تبدیل کرده است که این دولت را قادر نماید که اقتصادش را در پیوند با چالش‌ها و ضرورت‌هایی که در پی چهار دهه مدرنیزاسیون شتابان اقتصادی با آن مواجه شده است مقاوم نماید. چین در صدد است که از این طریق بر مسائل کلیدی اضافه ظرفیت، مازاد سرمایه، برگشت سرمایه و سرمایه‌گذاری مجدد، مازاد عرضه، و هم چنین ضرورت‌های توسعه نیمه غربی کشور غلبه نماید، پیش برد این مگاپروژه پیامدهای ژئوپولیتیکی و سیاسی امنیتی نیز در حوزه‌های مختلف به دنبال دارد که قابل تقلیل به بعد صرف اقتصادی نیست، آنچه که از تجربه چین می‌توان استنتاج کرد این است که دولت‌ها در تعامل با بازار بین‌المللی بر اساس محاسبه هزینه‌ها و فواید نه تنها اقتصادی که سیاسی، امنیتی و استراتژیک نخبگان و ائتلاف‌های مسلط تصمیم‌گیری می‌کنند و موفقیت چشمگیر دولت‌ها هنگامی رقم می‌خورد که استراتژی‌ها، شیوه‌ها و تاکتیک‌هایی مناسبی برای بهره‌مندی از فرصت‌های بیرونی ضمن به حداقل رسانیدن آسیب‌پذیری‌ها را اتخاذ کنند.

کتاب «درآمدی بر تحلیل انتقادی گفتمان روایی» اثر شایسته تقدیر در «دهمین دوره جایزه ادبی جلال»

در آیین اختتامیه دهمین دوره جایزه جلال که در روز شنبه ۱۶ دی‌ماه در تالار وحدت برگزار شد، کتاب «درآمدی بر تحلیل انتقادی گفتمان روایی» نوشته دکتر حسین صافی، به‌عنوان اثر شایسته تقدیر، شناخته شد.



هیأت داوران این کتاب را به جهت تلاش برای آرایه چارچوبی برای شناسایی و بررسی گفتمان روایی در زبان فارسی، همراه کردن طرح مباحث نظری با مطالعه کاربردی نمونه‌هایی از ادب فارسی، استفاده از منابع دست اول و شیوه‌ای موجز برای ارائه مطالب، شایسته تقدیر دانستند.

اثر پژوهشی «تاریخ فکر سیاسی در سینمای ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷» شایسته تقدیر در اختتامیه نخستین دوره جایزه

پژوهش سینمایی سال

در آیین اختتامیه نخستین دوره جایزه پژوهش سینمایی سال، که در موزه سینما برگزار شد از برگزیدگان بخش‌های مختلف این رویداد، تقدیر به عمل آمد.

در این مراسم، در بخش پژوهش‌های مستقل، کار پژوهشی دکتر سید محسن علوی‌پور با عنوان «تاریخ فکر سیاسی در سینمای ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷» شایسته تقدیر شناخته شد.



عوامل مؤثر بر نارضایتی عمومی از منظر امیرالمؤمنین (ع)



مرکز تحقیقات امام علی(ع) با همکاری دانشگاه مفید، نشستی با عنوان «عوامل مؤثر بر نارضایتی عمومی از منظر امیرالمؤمنین» را با سخنرانی دکتر محمدرضا یوسفی (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید و امام علی(ع) پژوه)، روز دوشنبه ۱۸ دی ماه برگزار کرد.

در این نشست دکتر یوسفی، استبداد و فقدان آزادی‌های مدنی، بی‌عدالتی و فقدان سرمایه اجتماعی و انسجام ملی را از عوامل نارضایتی عمومی از منظر امام علی(ع) عنوان کرد و گفت: «هر حکومتی به دلایلی تصمیماتی می‌گیرد که ممکن است مردم از این تصمیم‌گیری ناراضی

باشند و به خیابان بیایند یا اینکه اعتراضات خود را به گوش مسئولان حکومت برسانند، حضرت امام علی(ع) به مالک اشتر می‌فرماید: در این مواقع که مردم نسبت به شما گمان بد بردند یا به تعبیری مردم گمان می‌کنند که اموال را تزییع کردید و تصمیم نادرستی گرفتید و تخصیص درستی در اقتصاد ندادید، به جای برخورد تند با مردم باید به وضوح استدلال‌های خود را بیان کنید و به گونه‌ای با آنان صحبت کنید که به طور شفاف و روشن متوجه شوند. کاری کنید که ذهن مردم اصلاح شود و به انسجام ملی و اجتماعی برسید چرا که جامعه‌ای که انسجام اجتماعی ندارد، نمی‌تواند به موفقیت برسد و حکومت او ثبات نخواهد داشت.»

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا یوسفی در سخنرانی خود، عوامل نارضایتی عمومی از منظر امام علی(ع) را مورد بررسی قرار داد و گفت: «نارضایتی عمومی به وضعیتی اطلاق می‌شود که عدم رضایت مردم از حاکمیت به یک پدیده همه‌گیر تبدیل شده و گستره وسیعی از مردم را در بر می‌گیرد. گرچه تحقق شورش‌های گسترده به عوامل دیگری نیز نیاز دارد، اما نارضایتی عمومی، شرط لازم برای تحقق جنبش‌های اعتراضی، سیاسی، اجتماعی یا انقلاب است. وضعیت نارضایتی عمومی به مانند آتشی زیرخاکستر آماده کبریتی جهت شعله‌ور شدن است، در این میان میزان عقلانیت حاکمیت در مواجهه با این نارضایتی بسیار مهم است.»

این محقق و پژوهشگر چگونگی مواجهه با اعتراضات عمومی از منظر امام علی(ع) را مورد بررسی قرار داد و اظهار کرد: «هرگاه مردم نسبت به تو بدگمان شوند، به وضوح عذر خود را بیان کنید و آشکارا با آنان در میان بگذارید و زمینه بدبینی را برطرف کنید، این روش موجب تربیت اخلاقی تو و ملاحظت با مردم و قانع کردن آنان برای مسیر درست است. هر حکومتی به دلایلی تصمیماتی می‌گیرد که این تصمیمات ممکن است که برای مردم قابل پذیرش نباشد، مردم از این تصمیم‌گیری ناراضی خواهند بود و ممکن است که به خیابان بیایند یا اینکه اعتراضات خود را به گوش حکومت برسانند.

وی گفت: «حضرت فرمودند: البته گفت وگو با مردم بسیار سخت است چون مردم ناراحت هستند و اعتراض دارند و به راحتی دست از حرف‌هایشان برنمی‌دارند و باید تحمل خود را بالا ببرید و بدانید مهربانی با مردم حکومت تو را محکم‌تر می‌کند و باعث می‌شود که به اهداف خود برسید. بنابراین اگر شما در برابر اعتراضات، این روش را پیش بگیرید به یقین نتیجه می‌گیرید. آخرین نکته اینکه مبدا به روش‌های خشونت بار متوسل شوید چون عمر حکومت شما را کم می‌کند. مبدا به خاطر اهداف حکومت وقتی حرفی از مردم می‌شنوید سریع آنها را بکشید یا به زندان بیندازید چرا که هیچ چیز بدتر از ریختن خون ناحق نمی‌تواند حکومت را ساقط کند.»

دکتر محمدرضا یوسفی گفت: «نمی‌توان برای انقلاب‌ها دلایل ثابتی مطرح کرد ولی انقلاب از یک اتفاق ساده شروع می‌شود و حکومت‌ها باید به جای تنش‌زایی به فکر تنش‌زدایی باشند. حاکمیت باید متعهد شود که رفتارهای خود را اصلاح کند و هویت نسل جدید را شناسایی کند. اگر دین عقلانی که براساس اخلاق و عقلانیت و درک از نسل جدید است را عرضه کنیم، می‌تواند به این مسأله بسیار کمک کند.»

انقلابی که با نهج البلاغه شروع شده همیشه آرمان های نهج البلاغه را مقابل خود داشته باشد

دکتر محمدرضا یوسفی عدم شناخت جامعه امروز از شخصیت و آموزه های امیرالمومنین علی(ع) را خلأی بسیار بزرگ دانست و اظهار کرد: «به هر دلیلی تا به امروز فرصت نکردیم امیرالمومنین را آنطور که هست بشناسیم، در عرصه اخلاق، سیاست و عمل، به آموزه های حضرت توجهی نکرده ایم. حکومت ما هم در مقام اعتراض حاکمیت قبلی از الفاظ امیرالمومنین و خطبه های ایشان بسیار استفاده کرده است شاید تعبیر استفاده ابزاری مناسب نباشد ولی شاید صدق کند و امروز فراموش کردیم و آمدیم به رویکردهای خاص فقهی با یکسری منشأهای خاص پرداختیم، انقلابی که با نهج البلاغه شروع شده، خوب است که آرمان های نهج البلاغه را همیشه در مقابل خود داشته باشد و سعی کند که آن اصول را پیاده کند. در این صورت بی شک موفق خواهیم بود.»



تاریخ و تصویر، تأملاتی پیرامون پیوند فلسفه تاریخ و فلسفه عکاسی

از دوره شکل‌گیری تصویر و عکاسی در دوره پیشا تاریخ اشاره کرد و گفت: «با اختراع عکاسی بود که انقلابی در جامعه بشری به وجود آمد که بشر به وسیله آن توانست تجربیات و دستاوردهای خود را ثبت و ضبط کند و به زعم وی اختراع عکاسی را می‌توان عصر بصری شدن فرهنگ نامید و در جامعه امروز قلم تاریخ و قلم طبیعت، دوربین عکاسی به حساب می‌آید و پژوهشگران دوربین عکاسی قلم تاریخ به شمار می‌رود.»

وی در ادامه تاریخچه عکاسی به نگاه قرن بیستمی پوزیتویستی اشاره کرد که عکس یک پدیده ابجکتیو (موضوعی) تعریف می‌شد. اما در نیمه قرن بیستم متفکرانی پیدا شدند که مفهوم ساخت به نام «کادری شدن عکس» را افزودند و بنابراین نگاه ابجکتیوی قرن نوزدهم زیر سوال رفت.

در نگاه جدید قرن بیستم عکس از یک سو موجودیت تاریخی فرهنگی و از سوی دیگر موجودی طبیعی به حساب می‌آمد. یک نمونه کتاب در این باره می‌توان به آثار سوزان سونتاک به طور مثال علیه تفسیر یا شجره نسب تصویری اشاره نمود. سوزان سونتاک عقیده دارد که دوربین عکاسی بیشترین نقش را در تحولات عصر مدرن ایفا کرده است. بنابراین در عصر جدید عکاسی قلمرو تاریخ‌نویسی جدید را بسط داد و ژانرهای مختلف را پدید آورد. بنابراین برخی از متفکران عصر مدرن، دوربین را چشم مدرنیته نامیده‌اند. در واقع تقریباً در ۱۸۰ سالی که عکاسی با دوربین به وجود آمده است هیچ عرصه‌ای از بشر نیست که عکاسی در آن ورود پیدا نکرده باشد. مانند مسأله حجاب در ایران و عکس‌هایی که اولین بار از زنان بی‌حجاب دربار و حرم شاه منتشر شد. بنابراین تاریخ یکصد و هشتاد سال اخیر را مورخان، بدون اسناد عکاسانه نمی‌توانند انجام دهند و به عبارتی عکس‌ها زبان خاص خود را دارند.

دکتر رحمانیان با اشاره به این مطلب که نظریه‌های مختلفی در مورد فلسفه عکس و تاریخ آن اظهار شده است که مثلاً کارهای سارکوفسکی یا سندی شرمین و یا دیگران می‌توان نام برد.

وی در بخش پایانی سخنان خود به بحث‌های دیگر مرتبط با عکس و تاریخ اشاره کرد مانند مسأله تحریف در عکس‌های تاریخی و برای منظوره‌های

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی و انجمن ایرانی تاریخ، نشست با عنوان «تاریخ و تصویر، تأملاتی پیرامون پیوند فلسفه تاریخ و فلسفه عکاسی»



را با سخنرانی دکتر داریوش رحمانیان، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، در تاریخ ۱۰ دی ۹۶ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی برگزار کرد. دکتر رحمانیان در ابتدا از پژوهشکده تاریخ به‌خاطر برگزاری این گونه جلسات در پیشبرد و پیشرفت دانش تاریخ تقدیر و تشکر کرد. وی با نقد از جایگاه و رویکرد دانشگاه‌های امروز ما که در امر آموزش و مطالعات در حوزه دانش تاریخ که به فقر معرفتی دچار هستند اشاره نمود، گفت: «اساساً امروزه در دانشگاه‌های ما رشته تاریخ وجود ندارد بلکه در واقع یکسری واحد درسی تاریخ وجود دارد.»

وی بر اهمیت دانش تاریخ و حوزه‌های معرفتی و هستی‌شناختی و رویکردهای میان رشته‌ای تاریخ اشاره کرده و در ادامه بیان کرد: «این وضع در دانشگاه‌های خارج متفاوت است به طوری که در دانش تاریخ یک سری واحدهای سمعی بصری و آموزش تصاویر تاریخی و از این قبیل صورت می‌گیرد. کتاب‌هایی در این زمینه نگاشته شده که به طور مثال می‌توان به کتاب «تاریخ به سینما می‌رود» اشاره نمود که در واقع در این کتاب تاریخ به مثابه معرفت و سینما به مثابه هنر بحث می‌شود. به عبارت دیگر تصویر و عکس به مثابه تاریخ‌نویسی بدون متن تعریف می‌شود و زبان عکس و اشیا در فلسفه عکس و تصویر قرار می‌گیرد. وی در بخش بعدی سخنان خود به تاریخچه عکاسی

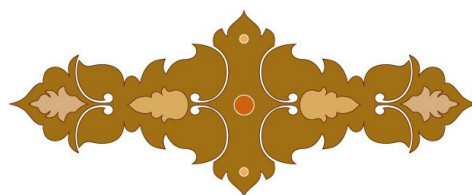


خاص انجام می‌شود که بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد. در نتیجه می‌توان گفت که عکس با توجه به کارکرد خود زمینه پارادایمی خاص خود را می‌طلبد و در بافت خاص تاریخی نمود و نقش بازی می‌کند. به عبارت دیگر عکس یک سند بی‌طرف نیست بلکه در زمینه تاریخ حرکت دارد و تفسیر می‌شود. عکس‌های موجود ثابت و غیرقابل تفسیر نیستند بلکه موجوداتی تاریخمند هستند و در تاریخ‌های گوناگون می‌توان تفسیرهای تاریخی از آن‌ها ارائه کرد.

یک مکتب تاریخ‌نگاری محسوب کرد؟ اگر چنین است آیا می‌توان آن‌ها را نقد کرد؟»

دکتر رحمانیان در خاتمه و در اشارتی به پرسش‌های حضار به این مطلب اشاره کرد که عکاسی و عکس را از یک نگاه فرصت و از نگاه دیگر می‌توان یک چالش به حساب آورد. عکاسی چشم مدرنیته نیست بلکه عینک مدرنیته است. همچنین این نگاه که «عکس به مثابه سند و عکس به مثابه هنر است» یک نگاه دوگانه غلط‌انداز است چرا که سند به معنای آرشیوی در نظر «رانکه» دیگر مرده است و سند یک معنای جدید و وسیع پیدا کرده است و عکس به مثابه هنر نداریم بلکه عکس‌ها به مثابه سند هستند.

در ادامه دکتر ملایی‌توانی، دبیر نشست، طی سخنانی گفت: «متأسفانه در ایران کارهای تاریخ‌نگاری و عکاسی توسط مورخان صورت نگرفته است بلکه بیشتر کارهای مطالعاتی توسط عکاسان در این حوزه انجام شده است.» دکتر فاضلی پرسشی را مطرح کرد: آیا تاریخ‌نگاری عکاسی می‌تواند یک معرفت‌اپیستمولوژی یا یک انباشت اسناد و عکس‌های تاریخی در انبارها تحویل بدهد؟ از نظر دکتر فاضلی باید یک نگاه نقادانه به تاریخ تجدد در ایران صورت گیرد. پرسش دیگر که مطرح شد این بود: «آیا عکس‌ها را می‌توان به عنوان



انتخاب چهار مقاله «پژوهشی نامه انتقادی متون و برنامه‌های درسی» به عنوان مقاله برتر در چهاردهمین جشنواره «نقد کتاب»

چهار مقاله از ماهنامه علمی و پژوهشی پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی در چهاردهمین جشنواره نقد کتاب برگزیده شد.

در این جشنواره، مقالات ماهنامه علمی و پژوهشی پژوهشنامه انتقادی متون در حوزه‌های ادبیات فارسی، فلسفه و زبان‌های خارجی (زبان فرانسه) در سال ۱۳۹۶ به عنوان مقالات برتر معرفی شد.

مقالات برگزیده به ترتیب ذیل است:

۱. مقاله «بررسی و نقد رساله‌های شعری فلاسفه مسلمان از فن شعر ارسطو»، ترجمه در زمانه عسرت از داوود عمارتی مقدم / استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیشابور (در شماره ۴۲، آذر و دی ۱۳۹۵ پژوهشنامه انتقادی)

۲. مقاله «نقدی بر کتاب جستارهایی در باب نظریه روایت و روایت‌شناسی»، از هادی یآوری / استادیار دانشگاه نیشابور، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی (در شماره ۴۲، آذر و دی ۱۳۹۵ پژوهشنامه انتقادی)

۳. مقاله «بررسی و نقد کتاب راهبردهای یادگیری Les stratégies d'apprentissage»، از کامیار عبدالواجدینی / استادیار دانشگاه اصفهان، گروه زبان فرانسه، اصفهان، (در شماره ۳۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵ پژوهشنامه انتقادی)

۴. مقاله «نقد و بررسی کتاب ارسطو»، از حمیدرضا محبوبی آرانی / استادیار گروه حکمت و فلسفه، دانشگاه تربیت مدرس (شماره ۴۰، مرداد و شهریور ۱۳۹۵ پژوهشنامه انتقادی)

این جشنواره به همت خانه کتاب وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود و امسال نیز در تاریخ ۲۷ آذر طی مراسمی از برگزیدگان تقدیر به عمل آمد.

شایان ذکر است، پژوهشنامه انتقادی دوبار به عنوان نشریه برتر علوم انسانی کشور و نشریه سال حوزه «نقد» شناخته شده است و بخش قابل توجهی از محصولات علمی و پژوهشی شورای بررسی متون در قالب مقالات نقد متون درسی، معرفی متون و دیدگاه‌های انتقادی در این مجله منتشر می‌شود و تاکنون ۵۰ شماره از این مجله علمی و پژوهشی منتشر شده است.



اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران



به تازگی کتابی در حوزه جامعه‌شناسی علم از دو پژوهشگر جامعه‌شناس، معصومه قاراخانی و سید آیت‌الله میرزایی با عنوان «اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران» منتشر شده است. این کتاب، حاصل چندین پژوهش اکتشافی زمینه‌ای و میدانی متمرکز بر «مسأله‌مندی اخلاق علم» است و رواج رفتارهای مغایر با اخلاق حرفه‌ای علم را به عنوان یک «پدیده اجتماعی» شناسایی و معرفی می‌کند و سازوکار تولید و بازتولید هنجارگریزی در فضای ساختاری علم در ایران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. آنها با ارجاع به نمونه علوم اجتماعی ایران بر این باورند که هنجارگریزی در ساختار کنونی نظام علم در ایران خصلتی کارکردی یافته است و به آیینی مرسوم و سراسری مبدل شده است.

هنجارگریزی و رواج رفتارهای مغایر با استانداردهای علمی و آکادمیک به صورت فرایندی، رشد و گسترش یافته است. در فقدان واکنش کنش‌گران وفادار به ارزش‌ها و استانداردهای علم و سکوت و پذیرش آنان، روند «عادی‌سازی هنجارشکنی» با «امتناع تغییر» هم‌سو شده است و سپس روند عدم تبعیت از هنجارهای علمی به شکل «هنجارشکنی سیستماتیک» در آمده است. ساختار پشتیبان و تسهیل‌کننده این هنجارشکنی سیستماتیک، ترکیبی از «سیطره اقتدار اداری» هم‌سو و هم‌جوش با «استیلای سیاست بر فضای علم»، سازمان‌های علمی را به عرصه «شکل‌گیری و بازتولید حلقه‌های قدرت و مکان‌های فرصت» تبدیل نموده است.

در این کتاب زیر عنوان «حلقه‌های قدرت و مکان‌های فرصت» آمده است:

این پدیده خود ریشه در هم‌آمیزی سیاست با مدیریت علم و نمود قدرت و ایدئولوژی در بوروکراتیزاسیون دانشگاه دارد که به تأثیرپذیری گسترده نهاد علم از نهاد سیاست منجر شده است. تأثیرگذاری میدان سیاست بر میدان علم عمدتاً در سیطره اقتدار اداری بازنمایی می‌شود. از این‌رو مناسبات اخلاقی درون این تداخل‌های میدانی و تأثیرپذیری مناسبات و روابط تعریف می‌شود. در چنین وضعیتی، معرفت علمی تحت‌الشعاع گرایش‌های سیاسی و

ایدئولوژیک قرار گرفته و مناسبات علمی نه متکی بر اقتدار و حیثیت علمی بلکه متکی بر اقتدار سیاسی و ضریب قدرت و نفوذ افراد و گروه‌های تأثیرگذار است. کنش‌ها و انتظارات نقش در میدان علم تحت تأثیر میدان سیاست تعیین می‌شود. متأثر از میدان سیاست، قدرت در گروه‌های خاص درون دانشکده و گروه‌های آموزشی متمرکز می‌شود و منافع شخصی از طریق گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک و نیز موقعیت قدرت در دانشگاه و دانشکده دنبال می‌شود. اقتدار اداری در این فضا نیز بیشتر برای استادان صاحب‌منصب است و وابستگی‌های سیاسی برای کسب مناصب اداری بر شایستگی‌ها و توانایی‌های علمی و مدیریتی ارجحیت دارد.

از نظر آنها اخلاق علم شامل «مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط ایجابی و سلبی حرفه‌ای مورد پذیرش اجتماع علمی است که کنش‌گران حوزه علم و فناوری راه، در فرایند آموزش و پژوهش و نشر و کاربرد علم، به رعایت اخلاق و پرهیز از بی‌اخلاقی ملزم می‌کند». این تعریف هم اجتماع علمی عام (همه رشته‌های علمی) و هم خاص (هر رشته علمی) را در بر می‌گیرد. ضمن این که این تعریف قابل اطلاق به هریک از ابعاد پژوهش، آموزش، نشر و کاربرد علم به تفکیک نیز هست.



«بررسی راهبردهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی چندجانبه»

اعضاء تقسیم شد. در این تقسیم‌بندی کشورهای گروه نخست عبارت بودند از اعضای دائمی شورای امنیت یعنی: آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین و روسیه.

در ادامه، دکتر سلطانی، ضمن انتقاد به این تقسیم‌بندی عنوان کرد: «پنج کشور نخست با اینکه عضو آن پی تی هستند و از آنجاییکه پیش از سال ۱۹۶۷ به سلاح اتمی دست یافته‌اند، به واسطه مقررات منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تعیین نمی‌شوند.»

وی ادامه داد: «قانون نانوشته‌ای در رابطه با معاهدات وجود دارد که بنابر آن همه اعضا به نوعی دارای حق وتو هستند برای نمونه در کنوانسیون «اطلاع رسانی به هنگام» که پس از فاجعه چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ توسط آژانس مطرح شد، آمریکا و شوروی به دنبال معافیت از مفاد آن بودند و از آن جایی که این کنوانسیون باید بر اساس اصل اجماع همگانی نهایی می‌شد با مخالفت ایران این شرط وتو شد و این امر یکی از مصادیق مذاکره چندجانبه موفق است.»

ایشان در ادامه به تجارب مشابهی در زمینه دیپلماسی چندجانبه نیز اشاره کرد. در مجموع، تجارب وی، منطبق بر اصل عدم پذیرش سلطه از سوی قدرت‌های جهانی حاوی نکات بدیعی است و تجربیات مذکور می‌تواند به الگویی راهبردی در زمینه ساماندهی یک دیپلماسی چندجانبه خاص و مؤثر تبدیل شود.

در پایان، محمدعلی مینایی، تنویریه کردن تجربیات در حوزه فعالیت‌های دیپلماتیک، به‌ویژه در شاخه‌های پیچیده دیپلماتیک از قبیل دیپلماسی چندجانبه را یکی از مهمترین راه‌های انتقال دانش و تجربه به نسل‌های بعدی برشمرد و بر لزوم اهتمام بر برگزاری این قبیل نشست‌ها و جلسات تخصصی تأکید کرد.

گروه پژوهشی جامعه و امنیت، سیزدهمین نشست مطالعات راهبردی «قدرت نرم» با موضوع «بررسی راهبردهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی چندجانبه» را با ارائه دکتر علی اصغر سلطانی، روز سه‌شنبه ۱۲ دی‌ماه برگزار کرد. در این نشست علمی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، ابتدا آقای محمدعلی مینایی، مدیر نشست‌های مطالعات راهبردی مرکز مطالعات جامعه و امنیت، به توضیح تجارب ارزنده بین‌المللی دکتر سلطانی در زمینه دیپلماسی چندجانبه پرداخت و گفت: «دکتر سلطانی مقطعی در دهه ۶۰ و همچنین ۸ سال در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ سفیر ایران در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بود. ایشان نخستین سفیر ایران پس از انقلاب در سازمان مزبور هستند و از این جهت تجربه قابل توجهی در زمینه راهبردهای قدرت نرم در حوزه دیپلماسی چندجانبه دارا هستند.»

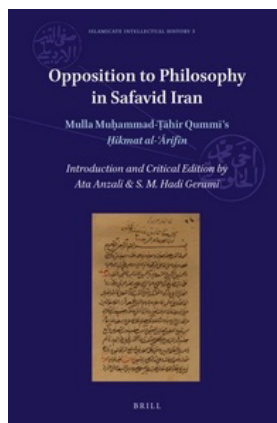
در ادامه نشست، دکتر علی اصغر سلطانی، به تبیین مرزهای مفهومی دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه پرداخت و اشاره کرد: «در دیپلماسی چندجانبه، روابط دیپلماتیک مابین دو کشور، نهاد و یا سازمان صورت می‌گیرد؛ در صورتیکه در دیپلماسی چندجانبه یک کشور با چند کشور و یا چند کشور با چند کشور دیگر به مذاکره و رایزنی پیرامون مسائل مشخص می‌پردازند. از جمله دیپلماسی در سازمان‌هایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که -بنده نیز در دهه ۶۰ و همچنین ۸ سال در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ سفیر ایران در این سازمان بودم- نیز در زمره دیپلماسی چندجانبه قرار می‌گیرد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ تشکیل شد و هدف آن بر طبق اساس‌نامه تضمین استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. این سازمان خودمختار است

و زیرمجموعه سازمان ملل متحد محسوب نمی‌شود با این حال گزارش‌های منظمی را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل ارائه می‌کند. پیمان آن پی تی نیز در راستای اهداف آژانس و در سال ۱۹۶۸ امضاء شد و طبق آن اعضا آن پی تی به دو گروه از کشورهای دارنده سلاح اتمی و سایر



انتشار کتاب «مقدمه و تصحیح رساله «حکمة العارفين» ملا محمد طاهر قمی» در انتشارات بریل هلند

کتابی با عنوان "Opposition to Philosophy In Safavid Iran"، مقدمه و تصحیح رساله «حکمة العارفين» ملا محمد طاهر قمی، در انتشارات بریل (کشور هلند) توسط آقای سید محمد هادی گرامی (پژوهشگر پژوهشکده مطالعات قرآنی) به تازگی چاپ و منتشر شده است.



کتاب «درآمدی بر تحلیل انتقادی گفتمان روایی»، شایسته تقدیر کتاب سال

برگزیدگان و شایستگان تقدیر سی و پنجمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران با حضور دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور معرفی شدند. در این مراسم، کتاب «درآمدی بر تحلیل انتقادی گفتمان روایی»، تألیف دکتر حسین صافی‌پیرلوجه، عضو هیأت علمی پژوهشگاه به عنوان اثر شایسته تقدیر کتاب سال انتخاب شد. لازم به ذکر است اخیراً همین کتاب در دهمین دوره جایزه ادبی جلال نیز به عنوان اثر شایسته تقدیر شناخته شد.

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر عبدالرسول عمادی

ضایعه ناگوار درگذشت همسر گرامیتان را به شما تسلیت گفته و از درگاه احدیت برای آن مرحومه رحمت و آمرزش و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.

جناب آقای وحید جمشیدی

ضایعه ناگوار درگذشت پدر گرامیتان را به شما تسلیت گفته و از درگاه احدیت برای آن مرحوم رحمت و آمرزش و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.

سرکار خانم دکتر زرشناس

ضایعه ناگوار درگذشت همسر گرامیتان را به شما تسلیت گفته و از درگاه احدیت برای آن مرحوم رحمت و آمرزش و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.

سرکار خانم آناهیتا پرتوی

ضایعه ناگوار درگذشت پدر گرامیتان را به شما تسلیت گفته و از درگاه احدیت برای آن مرحوم رحمت و آمرزش و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.

انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، طی احکامی دکتر مریم قبادی را به سمت «سرپرست دبیرخانه جذب اعضای هیأت علمی»، دکتر علیرضا ملایی توانی را به سمت «معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی»، دکتر مریم صانع‌پور را به سمت «رئیس پژوهشکده حکمت معاصر»، دکتر الهام ملک‌زاده را به سمت «مدیر گروه پژوهشی تاریخ فرهنگی»، دکتر مسعود قیومی را به سمت «مسئول دبیرخانه طرح تراز بین‌المللی»، دکتر سید سجاد علم‌الهدی را به سمت «رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع) منصوب و

دکتر محمدامیر احمدزاده را در سمت «معاون مدیر امور پژوهشی» ابقا کرد.



گزارش جلسه دفاع مینا حفیظی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی)

تاریخ برگزاری: ۹۶/۱۰/۲۰

موضوع: تصحیح انتقادی متن تمهیدات عین القضاء همدانی براساس نسخه‌های معتبر (مقدمه، تعلیقات، توضیح اصطلاحات عرفانی، آیات واحادیث و فهرست‌ها)

استادان راهنما: دکتر تقی پورنامداریان، دکتر محمدرضا نصیری

استادان مشاور: دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر مریم عاملی‌رضایی
استادان داور: دکتر محمد رضا موحدی، دکتر زهرا پارساپور، دکتر توفیق سبحانی

این جلسه مورخ ۹۶/۱۰/۲۰، با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی و نیز جمعی از علاقمندان به زبان فارسی در سالن حکمت برگزار گردید. در ابتدای جلسه دانشجوی در حدود نیم‌ساعت به معرفی رساله و آراء اصلی مطرح شده و نتایج به دست آمده در آن، به شرح زیر پرداخت:

در آغاز پس از گرمای داشت مصحح پیشین، عفیف عسیران، که خدمات وی راه را برای تصحیح دوم هموار کرده است، یادآور شد که نخست آقای دکتر پورنامداریان متوجه اشکالات تصحیح پیشین شده‌اند و دانشجویان را به کار مجدد بر روی این متن ترغیب کرده‌اند. دانشجوی در ادامه از روش‌های فنی و علمی تصحیح خویش سخن گفت. او در باب روش‌های فنی تصحیح اظهار داشت: در تصحیح از روش هلموت ریتر استفاده شده و برای نسخه‌ها به جای نام کتابخانه یا شهر حروف اختصاری بر اساس قدمت در نظر گرفته شده است، برای نمونه به نسخه اساس که اقدم نسخ نیز هست و در کتابخانه مغنيساگنل نگهداری می‌شود به جای اختصار M اختصار A داده شده است و همینطور برای دومین نسخه به جای نام کتابخانه یا شهر از اختصار B استفاده شده و برای سومین نسخه... به همین سبب خواننده بی‌مراجعه به مقدمه و به محض دیدن پانوشته‌ها می‌تواند از میزان قدمت ضبط به کار رفته در متن آگاهی یابد. او همچنین به پنج نسخه‌ای که در این تصحیح به مجموعه نسخه‌های تصحیح پیشین افزوده شده - شامل: دو نسخه از کتابخانه مزار مولانا در قونیه، یک نسخه از کتابخانه اسماعیل‌پاشا و یک نسخه از کتابخانه ملت گنل هر دو از استانبول و یک نسخه از کتابخانه مرعشی نجفی در قم- اشاره

کرد. به گفته مصحح، تصحیح جدید بر پایه ۱۴ نسخه که ۶ نسخه آن اصلی و ۸ نسخه آن فرعی است، صورت گرفته است. او در ادامه از روش‌های علمی تصحیح خویش سخن گفت و تمهیدات را دارای دو تحریر دانست و افزود: «در تصحیح جدید، این دو تحریر در دو دسته A و C جای داده شده و نسخه‌های خویشاوند و غیرخویشاوند از یکدیگر تفکیک شده‌اند. تحریر A و نسخه‌های خویشاوند A در متن آمده است و تحریر C و نسخه‌های تابع آن در پانوشته». او همچنین خاطر نشان کرد: «در این تصحیح تکیه مصحح بر انتخاب «ضبط دشوارتر» بوده است و افزود که در تصحیح حاضر از آوردن آیات الحاقی نسخه‌های متأخر خودداری شده است، به همین سبب برخی از آیات که در تصحیح پیشین دیده می‌شود در این تصحیح نیامده است؛ با این حال به آیات الحاقی در پی‌نوشت‌ها اشاره خواهد شد.»

پس از پایان سخنان دانشجو، استادان داور پیشنهادهایی به منظور بهتر شدن تصحیح ارائه دادند، که از جمله آنها می‌توان به پیشنهاد دکتر موحدی برای اصلاح بخش کلیات و کلیدواژه‌ها در بخش چکیده و تفکیک دقیق‌تر آیات در متن و استفاده از چاپ‌های سنگی در کنار نسخه‌های خطی و پیشنهاد دکتر پارساپور برای استناد بیشتر به نسخه C در اصل متن و دقت در روش ارجاعات درون‌متنی در پیشگفتار اشاره کرد. دکتر پارساپور به سبب برخی گزینش‌های مناسب در متن که موجب برتری این تصحیح نسبت به تصحیح پیشین شده از دانشجو تقدیر کردند. همچنین دکتر پورنامداریان و دکتر نصیری به برخی از سؤالات مطرح شده از جانب استادان داور پاسخ دادند. دکتر پورنامداریان علت پیوستگی آیات را به یکدیگر سبک خاص عین القضاء و دکتر نصیری علت عدم استفاده مصحح از چاپ‌های سنگی تمهیدات را اولویت دادن به نسخ خطی دانستند. دکتر رادفر و دکتر توفیق سبحانی از دانشجو به سبب اصلاح آنچه در جلسه پیش دفاع متذکر شده بودند، قدردانی کردند.

در ادامه، دانشجو از استادان راهنما، مشاور و داور به سبب دقت نظری که در خواندن این متن طولانی (در بیش از پانصد صفحه) با پانوشته‌های بسیار داشته‌اند، سپاس‌گزاری کرد. سپس دکتر پورنامداریان به جمع‌بندی موضوعات مطرح شده در جلسه پرداختند.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشستند و با اعطای نمره ۲۰ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی تشخیص دادند.

شعری برای قربانیان زلزله کرمانشاه

ای داد بر من و تو، بیدار رفته باشد
کوی بی به طرقة العین، بنیاد رفته باشد
آواز تیشه امشب از میتون نیند
کویا به خواب شیرین فرماد رفته باشد
دیگر مخواب و هرگز شیرین میان آوار
صد قصر و سرپل اکنون بر باد رفته باشد
سبلی روان کن از اشک چون ابر کوه ساران
در سوک گلعداران، غمباد رفته باشد
آن شور پهلوانان، هرگز مباد پایان!
این رنج خانان سوز از یاد رفته باشد
می گویم و باناد در پای میتونان
آباد روزگار ان آباد رفته باشد
این مرز زال و رستم از هر کجا که جستم
صد نار واکه آید دلشاد رفته باشد

زمان ۹۶

ف. حق شناس

مدیر مسئول: سید محسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: سمانه خودچیانی، محسن باباخانی، شهرام اصغری و سعیده زندگی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

کانال تلگرام @ihcss